

# افزایش تجاوزات مرزی و عملیات مفسده جویانه رژیم جمهوری اسلامی علیه افغانستان انقلابی

\* گزارشی از چند فقره عملیات تجاوزکارانه مشترک سپاه پاسداران و اشرار افغانی

\* مانور نظامی سپاه و بسیج در حاشیه مرزی

\* حاجی بهرام قاچاقچی مشهور و فرمانده کمیته های سیستان و بلوچستان، چرا در منطقه مرزی حضور یافت ؟

از یائیز اسامی رژیم جمهوری اسلامی در مناطق مرزی سیستان و بلوچستان در تلاش برای جذب نیرو به ارگان تجاوزگرانه و سرکوبگرانه جدیدی است به نام " لشکر محمد رسول الله " که بقول مرتجعین حاکم "لهمرا قرار است "مرزهای ایران را در مقابل تجاوز بیگانگان محفوظ نگه دارد"

طی همین مدت رژیم، بطریقی بی سابقه و تحریک آمیزی قوای نظامی مستقر در مرزهای ایران و افغانستان را در بلوچستان بطور همه جانبه تقویت کرده است.

رژیم خمینی همزمان با مراسمی که تحت عنوان " سالگرد جنگ تحمیلی با عراق " برگزار کرد، در نزدیکی مرزهای ایران و افغانستان، در منطقه "ادیبی" از توابع زابل دست به مانور نظامی زد و تعدادی از کارمندان دولت در زابل و زاهدان را با تهدید و ارباب به این "مانور" کتانید. این عملیات که در جهت تشدید تشنج اوضاع در منطقه صورت گرفته است، "بسیج کارمندی" نامیده شد. شرکت کنندگان در عملیات زیر رگبار تبلیغات سخنرانی بقیه در صفحه ۲

## فدائیان و جنبش دهقانی

در صفحه ۸

## وای پروم

در صفحه ۶

شعری از دنیا

سازمان "سپا" اخیراً برای خرابکاری در افغانستان انقلابی، بودجه بی سابقه ای را در نظر گرفته است. این امر نشانه تشدید تشنجات امپریالیسم آمریکا، برای ایجاد اختلال در کار پیشرفت انقلاب تور است، سپاه، سرکرده جبهه نامقدس ضد افغانی است که رژیم جمهوری اسلامی نیز در آن جای دارد. این رژیم نیز به سهم خود در ماه های اخیر مفسدجویی های خویش را شدت داده و دست به اقدامات تحریک آمیز و مداخله جویانه خطرناکی زده است. برخی از موارد آن چنین است.

## محکومیت رژیم در گردهمایی نیروهای صلح و ترقی

در روزهای اول، دوم و سوم دسامبر (۱۰، ۱۱، ۱۲ آذر) سال جاری کنفرانس ملی سازمان سراری صلح و همبستگی هندوستان برگزار شد. محل برگزاری این کنفرانس شهر بوبال بود. انتخاب بوبال بعنوان محل برگزاری کنفرانس، جهت ادای احترام به قربانیان فاجعه نشت گاز سی از کارخانه آمریکایی یونیون کارباید در این شهر بود که بر اثر آن بیش از ۲۵۰۰ تن از مردم به هلاکت رسیدند.

از سوی رامش چاندر را رئیس شورای جهانی صلح و راجیو گاندی نخست وزیر هندوستان پیامی به کنفرانس ارسال گردید که توسط برگزار کنندگان کنفرانس قرائت شد.

فدائیان خلق و توده ای ها با حضور در این کنفرانس و شرکت در کمیته های خلع سلاح و مسایفه تسلیحاتی به دفاع از صلح جهانی پرداختند.

بقیه در صفحه ۷



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۹ دی ۱۳۴۴ برابر ۲۰ دسامبر ۱۹۸۵  
به ۶۰۰ ریال - سال دوم - شماره ۸۸

## جمهوری اسلامی در آینه رویدادهای هفته

در این شماره، در صفحه "از رویدادهای ایران" به طور "تصادفی" خبرهایی در کنار هم قرار گرفته اند که بنحوی قانونمند با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند. وزیر برنامه و بودجه اعلام داشت که بررغم متکلف بودجه جنگی در سال آینده دوازده درصد افزوده می شود. سخنان او حاکی از این بود که از بودجه عمرانی باز هم کاسته و بر مالیات ها نیز باز هم افزوده اند و مردم باید در انتظار اوضاع فلاکت بارتتری باشند. رئیس بانک مرکزی اعتراف کرد که رژیم جمهوری اسلامی دچار "شرایط سخت اقتصادی" شده و "تنگناهای ارزی" گریبانش را زحمانی کند. معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع بر ملا کرد که در تدارک تسلیم واحدهای صنعتی به انحصارات امپریالیستی هستند. او این کار را "اجاره دادن صنایع به دیگر کشورها" نامید. روزنامه ها خبر دادند که وزیر مشاور دولت ترکیه در امور اقتصادی وارد تهران شده است تا برای گسترش مناسبات بازرگانی، صنعتی و ... میان طرفین، تدابیر تازه تری اتخاذ شود. هفته آینده نیز تورکوت اوزال نخست وزیر دولت نظامی ترکیه میهمان حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی خواهد بود. ری شهری وزیر اطلاعات رژیم خمینی اظهار داشت. برای تامین کادر مورد نیاز بقیه در صفحه ۲

لوتیس کوروالان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی :

## ویرانگریهای رژیم خمینی در عرصه آموزش

### شالوده اتحاد ضد دیکتاتوری

### استراک در هدف عاجل و انعطاف در شیوه های مبارزه است

حزب کمونیست شیلی، از فردای کودتای فاشیستی ۱۹۷۳، بیکبرترین و متشکلترین نیروی رزمنده ضد دیکتاتوری در این کشور بوده است. در مبارزات توده ای کنونی علیه رژیم پینوشه نیز، این حزب در کنار نزدیکترین متحدان خود، نقش به سزایی دارد. این نقش در چند سال اخیر، داشمارو به افزایش بوده است بگونه ای که امروز، هیچ یک از نیروهای سیاسی اپوزیسیون شیلی قادر به نفی آن نیستند. احزاب بورژوازی اپوزیسیون، که در گذشته اصولاً مخالف هر گونه همکاری با حزب کمونیست بودند، امروز که سیاست طرد کمونیست ها، در برخورد با واقعیات سرخست زندگی و بیکار توده ها درهم شکسته است، اصل این همکاری را می پذیرند، اما برای گسترش آن خواهان آنند که کمونیست ها در مواضع اصولی خود در رابطه با مبارزه با دیکتاتوری، تغییر دهند و اصل "تنوع اشکال مبارزه" را که متضمن مشروعیت اعمال قهر نیز هست، کنار گذارند. لوتیس کوروالان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی، در شماره ۴۶ مجله شوروی عصر جدید طی مقاله ای موضع حزب کمونیست را در این باره تشریح کرده و توضیح می دهد که چگونه و در چه مقنای حزب، با کاربست اصل لنینی انعطاف در شیوه های مبارزه، و شناخت دقیق اوضاع لحظه، لزوم استفاده از شیوه های قهر آمیز در کنار اشکال مسالمت آمیز را مطرح نمود.

در صفحه ۱۲

کشورمان و سیاست های مخرب رژیم در این عرصه :

گسترش فقر، بیکاری و بی خانمانی، در کنار سیاست های خفقان بار، قشری و عقب مانده رژیم خمینی. وضعیت دشواری را در مورد آموزش کودکان و نوجوانان مابوجود آورده است.

آمار بی سوادی در میان کودکان و نوجوانان سرسام آور است. بیش از ۵ میلیون نفر از آنان نتوانسته اند به مدرسه راه یابند تا خواندن و نوشتن را بیاموزند. این رقم داشمارو به افزایش است. از حدود ۹ میلیون دانش آموز، به دلیل وجود شرایط بقیه در صفحه ۲

ویرانگریهای رژیم خمینی، همه عرصه های زندگی اجتماعی مردم ایران را شامل می شود. هیچ عرصه ای از این «لایعون سپاه مصون نمانده است اما ابعاد فاجعه ای که در عرصه آموزش در تمام سطوح آن - و محیط های آموزشی همچنان در جریان است، به تمامی، غیر قابل توصیف و اثرات مخرب و دیرپای آن بسیار نگران کننده است. در این عرصه نیز رژیم از تاکتیک جنگی زمین سوخته استفاده می کند. همه چیز را ویران و ویران تر می خواهد تا از خلق، پیشاپیش برای بدور افکندن این حکومت پلید، سپاه فکر و ارتجاعی انتقام بگیرد. نگاهی داریم به وضعیت آموزش ابتدایی و متوسطه در

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## جمهوری اسلامی درآینه رویدادهای هفته

بقیه از صفحه اول

ساواک جمهوری اسلامی "دانشکده اطلاعات" تأسیس می‌شود. یک روز قبل از این، رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد که در جمهوری اسلامی برای ضد انقلابیون و ساواکیها جای هیچگونه نگرانی وجود ندارد.

موارد فوق اجزای بهم پیوسته‌ای هستند که در کنار یکدیگر تصویر کاملی از کارکرد خیانت‌بار رژیم جمهوری اسلامی در تمامی عرصه‌ها، از صلح و آزادی گرفته تا استقلال و عدالت اجتماعی، تصویر می‌کنند. وجود این موارد گویا در میان رویدادهای یک فاصله کوتاه چند روزه، به هیچ رونه تصادفی که ناشی از شتاب بی‌حد و مهار ناپذیری است که کارکرد خیانت‌بار رژیم جمهوری اسلامی یافته است. جنگ و کشتار بیشتر، فلاکت و ویرانی افزونتر، وابستگی اقتصادی و سیاسی گسترده‌تر، سرکوب و اختناق لگام گسیخته‌تر هدفهای بلاواسطه و اعلام شده رژیم شده است. سردمداران جمهوری اسلامی دیگر پروا و نیز امکان آن را ندارند که رهوس این اهداف را مکتوم دارند، از این رو به ناگزیر آنرا به بانک بلند می‌گویند.

جمهوری اسلامی با چنین هدفها و کارکردی وسعترین افشار خلق را در برابر خود دارد. این هم تصادفی نبود که طی همین مدت توجه دو عنصر قدرتمند این رژیم، رفسنجانی و ری‌شیری، معطوف به تکمیل و تقویت ارگانهای سرکوب از طریق افزایش نفرات و آموزش آنها و نیز جذب عناصر و خبرگان ارگانهای سرکوبگر رژیم پیشین بوده است. آنها بدرستی دریافته‌اند که خیانت‌هایشان را مردم بی‌پاسخ نخواهند گذاشت؛ مبارزه گسترش بیشتری خواهد یافت و روزهای دشواری در انتظارشان می‌باشد.

بقیه از صفحه اول

قرار گرفته بودند که علیه افغانستان انقلابی مرز ه گویی می‌کردند. این سخنرانان تلاش داشتند به مردم بقبولانند که گویا افغانستان در تدارک حمله به ایران است.

مفسده‌جویهای رژیم جمهوری اسلامی به این تحریکات محدود نماند. همزمان با آن حرکات گستاخانه‌تر و شرورانه‌تری بی‌گرفته شد. واحدهای سپاه پاسداران سیستان و بلوچستان خود مستقیماً باندهای اشرار را در انجام چندین عملیات خرابکارانه در استان نیمروز افغانستان همراهی کردند. هدایت و رهبری این باندها را در این عملیات سپاه بر عهده داشت. چند مورد آنرا ذکر می‌کنیم:

در تاریخ ۲۱ شهریور این اشرار به یک پاسگاه مرزی در خاک افغانستان حمله کرده و ۲ سرباز را در این پاسگاه کشتند.

در تاریخ دوم مهرماه پاسداران متجاوز گستاخانه وارد خاک افغانستان شدند تا بازنده‌نفر از ساکنین روستاهای مرزی افغانستان را بربایند.

در تاریخ پنجم مهرماه هنگامیکه ضدانقلابیون افغانی قصد حمله به افغانستان از طریق منطقه مرزی شهرستان زابل را داشتند، افراد سپاه زابل آنها را داخل مرزهای افغانستان همراهی کرده و تجهیزات و ادوات تخریبی رژیم خمینی را به آنها تحویل دادند. در این عملیات تجاوزکارانه و جنگ‌افروزانه، "حاجی بهرام"، قاچاقچی مشهور و

## افزایش تجاوزات مرزی و عملیات مفسده‌جویانه رژیم جمهوری اسلامی علیه افغانستان انقلابی

فرمانده کمیته‌های سیستان و بلوچستان، شخصا در مناطق مرزی حضور داشت و مستقیماً عملیات را هدایت می‌کرد.

این قبیل اقدامات تجاوزکارانه در حالی انجام می‌گیرد که مردم میهنمان دامنه جنش اعتراضی خود علیه این گونه سیاستهای ارتجاعی رژیم را مدام توسعه می‌بخشند. بعنوان بخشی از موج سرتاسری مخالفت، در همان منطقه مرزی، توده‌های مرزنشین که به عینه شاهد جنایتهای دزدیها، قاچاق و توزیع مواد مخدر، ایجاد ناامنی و دیگر فجایع ضد انقلابیون افغانی هستند، هر روز بیش از پیش مخالفت خود را با حضور این اوباشان آدمکش و سارق در میهنمان ابراز می‌دارند و نفرت خود را از ضد انقلابیون آشکارتر می‌سازند. بعنوان نمونه هنگامیکه در اواخر آبانماه اسال انفجار دو بمب در محل استقرار یکی از سرکردگان یک باند از اشرار افغانی، خسارات فراوانی به منازل مردم وارد آورد، مردم ساکن آن محله باخشم و نفرت به محل واقعه ریختند و عده‌ای از افراد سرشناس باند فوق را به شدت مضروب کرده خواهان اخراج آنها شدند.

اما رژیم خمینی که در برابر اراده مردم ما قرار دارد، راهی را طی می‌کند که بر خلاف خواسته‌ها و منافع مردم است. این رژیم پلید و سياهکار برای پروارشدن باندهای ضد انقلابی افغانی همه امکانات را در اختیارشان می‌گذارد. علاوه بر پول و تجهیزات نظامی انبوه، که در اختیار سرکردگان

اشرار قرار داده شده است، ارگانهای سرکوب رژیم، فریب خوردگان افغانی مقیم ایران را تحت فشار قرارداده و وادار می‌کنند که با باندهای ضد انقلابی همراهی کنند. رژیم همچنین این باندها را در نقاط مرزی اسکان داده است تا برای انجام عملیات خرابکارانه از موقعیت مساعدتری بهره‌مند باشند.

دشمنی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با دولت انقلابی افغانستان و حمایت آن از اوباش و اشرار تبهکار افغانی، دلایل عدیده‌ای دارد که اساس آن سرشت ارتجاعی این حکومت است که هیچگاه با استقرار حکومتی انقلابی در کشوری نمی‌تواند سازگاری نشان دهد. ارتجاع ایران از همان بدو طلوع خورشید انقلاب ثور دچار سرکبیج شده. مگر نه اینست که شاه با شنیدن خبر آن سخته کرده بود. مرتجعینی که اینک برجای او تکیه زده‌اند، درست بهمان گونه و بهمان خاطر از درخشش خورشید انقلاب در سرزمین مسایه مادر عذاب هستند. این خفاشان کورکودن و خون آشام به هر دناثنی دست می‌یازند تا مگر خورشید را از تابش بازدارند. امانه اعتبارات مالی و اقدامات سازمان سیا و نه حرکات مداخله جویانه سپاه و نه هیچ حرکت دیگر هر یک از اعضای جبهه نامقدس ضد افغانی قادر نخواهد بود انقلاب ثور را از پیشرفت بازدارد. مردم افغانستان انقلاب خود را پاسداری می‌کنند و در این کار مردم و نیروهای انقلابی ایران در کنارشان جای دارند.

## جنگ میان ارتش و قبایل در پاکستان ادامه دارد

به نیروهای "ولی‌خان کوکی هیل" یکی از بزرگان قبایل پشتو می‌پیوندند. لشکر مزبور تاکنون چند بار با نیروهای ارتش پاکستان برخورد داشته و تلفات سنگینی بدان‌ها وارد کرده است.

خبرگزاری افغانی باختر گزارش داد شماری از رهبران و روسای سایر اقوام پشتو، به جبهه قبایل در حال نبرد پیوسته و در برابر نیروهای پاکستانی مقاومت می‌کنند.

مجلس شوروی عصر جدید در شماره ۵۱ سال ۱۹۸۵ خود، یکی از ریشه‌های

نبردهای سخت در اطراف دره خیبر پاکستان میان واحدهای ارتش پاکستان و قبایل کوچ‌نشین این منطقه همچنان ادامه دارد. نیروهای ارتش، از هلی‌کوپتر، توپخانه سنگین و تانک برای حمله به روستاها استفاده می‌کنند. ارتش همچنین به محاصره منطقه خیبر به منظور گرسنه گذاشتن اهالی و وادار ساختن‌شان به تسلیم، ادامه می‌دهد. ساکنین بخش بزرگی از این منطقه، خانه‌های خود را ترک گفته و برای پیوستن به قبایل، به کوه‌ها رفته‌اند. هر روز شمار بیشتری از مردم

شخصی ترور می‌شود. پاکستان از هنگام تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۷، پیوند سستی از گروه‌های قومی و قبیله‌ای ناممکن را تشکیل می‌دهد. در این کشور، درگیری‌های زنجیره‌ای حاد و خونین امری معمول است. در چنین شرایطی، مخلوط انفجاری سلاح، پول و مواد مخدر می‌تواند به سرچشمه مشکلاتی جدی برای پاکستان تبدیل شود.

از سوی دیگر، هفته گذشته شهر لاهور پاکستان شاهد تظاهرات هزاران نفره مردم علیه رژیم ضیا الحق بود. پلیس پاکستان با باتوم و گاز اشک‌آور به این تظاهرات حمله کرد.

مخالفت فزاینده قبایل پشتو با دولت پاکستان را حضور ضدانقلابیون مسلح افغانی در این منطقه می‌داند. عصر جدید می‌نویسد در نتیجه سرازیر شدن سلاح‌های آمریکایی به منطقه مرزی پاکستان و افغانستان، این منطقه ناامن شده است. اشرار افغانی علیه مردم محل دست به راهزنی و ارباب می‌زنند. باندهای قاچاقچیان مواد مخدر از دریافت کنندگان سلاح‌هایی هستند که آمریکا برای ضدانقلاب افغانستان می‌فرستد. عصر جدید از قول مجله آمریکایی تایم می‌افزاید: "ایالات مرزی پاکستان می‌توانند به لبنان دومی تبدیل شوند... در پیشاور تقریباً هر روز بمبی منفجر شده و یا

بقیه از صفحه اول

به شمرده بیش از ۴/۵ میلیون نفر نمی‌توانند تا مقطع راهنمایی به تحصیل خویش ادامه دهند و یا به مدارس راهنمایی راه یابند. فقر و شرایط سخت زندگی و آمار بالای مردودین، قریب ۷۰ درصد دانش آموزان دبیرستانی را از ادامه تحصیل باز می‌دارد.

در چنین منظری از وضعیت عمومی آموزش دبستانی و دبیرستانی، آثانی که به ترتیب به تحصیل اشتغال دارند نیز با شرایط اسفباری مواجهند. اما به عنوان مهمترین خطری که نه فقط وضعیت آموزش که جان دانش آموزان را تهدید می‌کند باید از نقشه‌های هولناک رژیم برای کشتار دانش آموزان در جبهه‌های جنگ نام برد.

مدارس به عنوان پر شمارترین محل حضور جمعی جوانان، بیش از هر جای دیگر مورد توجه سران رژیم برای یافتن هیزم برای گرم نگه داشتن تنور این جنگ نفرت انگیز شش ساله است. این توجه جنایتکارانه برای ربودن دانش آموزان از سر کلاس‌های درس و اعزام آن‌ها به جبهه‌های بی‌بازگشت جنگ، در ماه‌های اخیر بسیار تشدید شده است و مقامات حکومت هر کدام سعی دارند در کشتادن کودکان و نوجوانان به مسلخ، "نوی سبقت را از دیگری بر بایند. در این زمینه تنه‌ها به ذکر دو گفته از دست اندرکاران رژیم اکتفا می‌کنیم که خود ابعاد این جنایت و نقش خونبار و هولناک را به روشنی می‌نمایند:

اکرمی وزیر آموزش و پرورش در سمینار بررسی "شیوه‌های عملی برای بسیج ۱۰ میلیون دانش آموز ایرانی" گفت: "اولین هدف آموزش و پرورش آن است که تمام قوایش را صرف تجهیز و آموزش ده میلیون دانش آموز کند." رضایی فرمانده سپاه پاسداران اظهار داشت: "آموزش و پرورش علاوه بر کمک رسانی به جبهه‌ها خود نیز در جنگ شرکت کرده و سازمان منظمی در جنگ ایجاد نموده و به همین جهت در قرارگاه خاتم الانبیا عضویت رسمی پیدا کرده است."

(کیهان ۲۲ آبان)

بر اثر قراردادن تمامی امکانات در خدمت جنگ و سپاهکاری‌های آموزشی رژیم وضعیت مدارس از نظر امکانات آموزشی بیش از پیش به رخصت گرائیده است. بودجه جاری، نوسازی و عمرانی آموزش و پرورش شدیداً کاهش یافته است. در این زمینه گفته رئیس

## ویرانگریهای رژیم خمینی در عرصه آموزش

حد و حشمتناکی رسیده است که حتی خود نثریات رژیم نیز مجبور به اعتراف به آن هستند. این نزول به یک قاعده عمومی تبدیل گردیده است و خلاف آن جای تعجب دارد و به مثابه وقوع جرم! تلقی می‌شود. خبر زیر در این مورد کاملاً نمونه‌وار است: از یکی از معلمان حق‌التدریسی که برای مصاحبه به گزینش مراجعه کرده بود بازخواست شده است که: "چرا صد در صد قبولی داده‌ای این نشان می‌دهد که کارپروری! نداشته‌ای."

در مدرسه راهنمایی رضوان در تهرانپارس از ۴۵۰ نفر محصل کلاس سوم تنها ۹۰ نفر در خرداد ماه قبول شده‌اند. و یا از ۵۲۰ دانش‌آموز دبیرستان امیر کبیر سلماس که از بهترین دبیرستان‌های این منطقه است (۴۱ نفر مردود و یا تجدیدی شده‌اند. استفاده از وسایل کمک آموزشی، امکانات آزمایشگاهی و کتابخانه در مدارس به کلی کنار گذاشته شده است. در مدرسی نیز که امکاناتی ناچیز در این زمینه‌ها داشتند، عملاً دانش آموزان را امکان دسترسی به آن‌ها نیست.

بر اثر معیارهای ارتجاعی انتخاب معلم و اخراج و یا امکان ندادن به معلمان باتجربه و دلسوز، تعداد هر چه بیشتری از معلمان بی‌سواد و مکتبی برای تدریس به کلاس‌ها فرستاده می‌شوند که این امر نیز افت شدید سطح آموزش را در پی داشته است. در مدارس دخترانه افت سطح آموزش ناشی از کمبود معلمان و دبیران باتجربه و باسواد بسیار پر نمودار است.

کمبود معلم و دبیر امری سراسری،

آموزش و پرورش شیران در مصاحبه با کیهان ۱۷ آذرگویاست: "برای ساختن مدرسه اعتبار نداریم ... با مشکل فضای آموزشی روبرو هستیم و به همین خاطر مدارس را ۲ و یا ۳ نوبته کرده‌ایم. در روستاها نیز مدارس قدیمی در حال فرو ریختن هستند و بودجه کافی برای تعمیر نداریم."

در همین شماره اکثریت، به عنوان نمونه وضعیت مدارس لرستان تشریح شده است که چگونه به دلیل کمبود مدرسه، برخی مدارس، راه شیفته کرده‌اند، برخی مواد درسی مانند انشا، هنر و ورزش را حذف نموده و روزانه برای دانش آموزان تنها ساعت درس در نظر گرفته‌اند.

در چنین شرایطی "در ادامه سیاست‌های خائنانه و ضد مردمی رژیم خمینی در حمایت از مالکان مدارس استیجاری طی دوماه گذشته (مرداد و شهریور) ۲۸ مدرسه با ظرفیت بیش از ۱۰ هزار دانش آموز تخلیه شده‌اند و در چند روز آینده ده‌ها مدرسه با ظرفیت ده‌ها هزار دانش آموز تخلیه می‌شوند"

(از اعلامیه جوانان فدایی

خلق شمال غرب تهران)

کار به جایی رسیده است که حکومت ارتجاع، طرح استفاده از اتوبوس‌های قراضه شرکت واحد را برای حل مشکل کمبود مدرسه ارایه می‌دهد (اکثریت شماره ۸۱) و یا دانش آموزان را با تکیه بر شلاق و سرنیزه پاسداران و ضرب و شتم آنان، به مدارس بدون میز و نیمکت و درو پنجره می‌فرستد. (اکثریت شماره ۸۴)

نزول شدید سطح آموزشی نیز به



و حاد شده است. در حالی که مطابق اعلان‌های رسمی، کمبود ۷ هزار معلم ابتدایی و ۱۵ هزار دبیر اعلام کشته است این کمبود همچنان با تداوم سیاست‌های اختناق، قشری و جنگ

ملل‌بانه بیش از پیش حاد می‌گردد. کتاب‌های درسی کمیاب و افزایش قیمت کتاب و نوشت افزار سرسام آور (۹۰۰ درصد) است.

با وجود آن که برای عوامفریبی اخذ شهریه را متوقف و غیرقانونی اعلام کردند در بسیاری مدارس به‌عنوان مختلف از خانواده‌ها مبالغه متغی اخذ می‌کنند که نمونه‌های متعددی از آن را تاکنون در نشریه درج نموده‌ایم. حتی صدور احکام تخلیه مدارس نیز به راهی برای اخذی از مردم تبدیل شد: در یکی از مدارس غرب تهران در جلسه انجمن اولیا و مربیان خواسته شد که به دلیل استیجاری بودن ساختمان مدرسه و برای آواره نشدن بچه‌ها لازم است خانواده‌ها مبالغی برای خرید زمین و ساختمان مدرسه کمک کنند.

در چارچوب برسربردن برخی سپاهکاری‌های رژیم در مدارس باید تلاش جهت تشدید جو اختناق در مدارس را ذکر نمود. دست اندرکاران آموزش رژیم خمینی برای پیاده کردن تعلیم و تربیت ارتجاعی و پیشبرد معیارها و منش عهد عتیق خود و تحمیل آن به دانش آموزان به طور دایم سیاست تهدید، فشار، توهین و ارباب را در مدارس و به ویژه مدارس دخترانه پیش می‌برند. با گسترش اعتراضات روز افزون و جمعی دانش آموزان که نمونه‌های بسیاری از آن را در صفحات نشریه بازتاب داده‌ایم و گسترش فعالیت نیروهای انقلابی علیه رژیم در مدارس رژیم چاره‌رادر تشدید اقدامات سرکوبانه می‌بیند. این سیاست را اکرمی وزیر آموزش و پرورش در روز ۲۸ تیر ماه سال جاری رسماً اعلام نمود:

"اخیراً دستورالعمل جدیدی صادر شد که طی آن از سال تحصیلی آینده، دانش آموزانی که با رعایت نکردن حفظ‌شون و موازین اسلامی از قبیل پوشیدن لباس‌های نامناسب، همراه داشتن عکس‌ها، پوسترها، کتاب و نشریات خلاف شرع و همچنین رفتار و کردارهای نامتناسب با جمهوری اسلامی به مدرسه بیایند، در وهله اول به آنان تذکر داده و ارشاد می‌شوند و از والدین آن‌ها تعهد اخذ می‌شود و سپس در صورت عدم رعایت، حکم اخراج و محروم نگه داشتن آنان از ادامه تحصیل، داده خواهد شد"

## اعتراف رییس بانک مرکزی به در ماندگی رژیم در عرصه اقتصاد

نوربخش رئیس کل بانک مرکزی ملی سخنانی که در روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ آذرماه درج شده است اعتراف کرد که جمهوری اسلامی در "شرایط سخت اقتصادی" بسر می‌برد. وی اظهار داشت در چنین شرایطی برای دادن نقش بیشتر به بخش خصوصی در زمینه مسکن باید تسهیلات تازه‌ای فراهم شود. او گفت: "بخش مسکن به علت آنکه نیاز به منابع ارز خارجی ندارد در شرایط سخت اقتصادی و در شرایطی که دیگر بخشهای اقتصادی کشور به لحاظ تکنولوژی ارزی با مشکل روبرو هستند، می‌تواند در کل اقتصاد کشور یک تعادل نسبی ایجاد کند."

وی میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان‌های جدید در سال ۶۲ را معادل ۸۸۴ میلیارد ریال اعلام نمود و در عین حال خواهان فعالیت گسترده‌تر این بخش در مشارکت با بانک‌های تجاری در زمینه مسکن گردید.

اظهارات نوربخش بدین معنی است که پیمانکاران ساختمانی و ساز و بفروش‌ها از این پس با شرایط سهل‌تری از وام و اعتبار بانک‌ها استفاده خواهند کرد.

## "اجاره صنایع به کمپانی‌های جهانی"

معاون اقتصادی و بازرگانی وزارت صنایع ملی مصاحبه‌ای به تئنگناهای ارز صنایع طی سال‌های اخیر پرداخت و گفت: "برای بهره‌برداری صحیح و مطلوب از صنایع موجود کشور نزدیک به ۵/۶ میلیارد دلار نیاز ارزی داریم". وی افزود که میزان ارز تخصیصی به وزارت صنایع در سال ۶۲ حدود ۲۰۸۰ میلیون دلار بود و این رقم در سال ۶۴ معادل ۲۰۰۵ میلیون دلار بود که با ۵۰۰ میلیون دلار ارز نسبه (بوزانس)، معادل نصف ارز لازم برای صنایع می‌باشد.

وی سیاست وارداتی جمهوری اسلامی را بنابر کسری بودجه ارزی، چنین تبیین کرد: "ما نیز تخصیص ارز به واحدها را به ۲ طبقه کالاهای حیاتی، کالاهای ضروری و سرانجام سایر کالاهای تقسیم می‌کنیم."

یکی از نکات مهم در سخنان معاون وزارت صنایع، اعلام رسمی سپردن صنایع کشور به انحصارات امپریالیستی است. وی این مطلب را بدین صورت بیان داشت:

"طرح جدیدمان به این صورت است که در برخی از صنایع که ظرفیت‌شان خالی است باید کشورهای کمپانی‌های جهانی قرارداد منعقد می‌کنیم تا مواد اولیه را به این صنایع بدهند و تولید حاصله را در اختیار همان کشور یا کمپانی قرار بدهیم... این طرح اجازه دادن صنایع مان به دیگر کشورها می‌شود."

ترکیه به ریاست وزیر مشاور در امور اقتصادی آن کشور وارد تهران شد. هدف از سفر این هیات، گسترش مناسبات بازرگانی، صنعتی و ترابری ذکر شده است. میزان مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی و ترکیه طی سال گذشته معادل ۲/۲۰۰ میلیارد دلار اعلام شده است.

سفر این هیات اقتصادی در شرایطی صورت می‌گیرد که تورگوت اوزال نخست وزیر ترکیه به زودی به تهران سفر خواهد کرد. پیش بینی می‌شود مسافرت اوزال رابطه حسنه میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم نظامی ترکیه را با زعم گسترده‌تر نماید. اوزال روز ۱۲ دی ماه رهسپار تهران خواهد شد.

## بودجه جنگی باز هم افزایش می‌یابد

علیرغم کاهش چشمگیر درآمدهای دولت در سال جاری بر مبلغ هتکفت هزینه‌های نظامی باز هم افزوده خواهد شد. این مطلب را مسعود روغنی زنجانی وزیر برنامه و بودجه ملی مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات بیان داشت. وی گفت: "بودجه سال آینده در ردیف جنگ ۱۲ درصد رشد نشان می‌دهد و بودجه‌های نیروهای مسلح (اعم از نظامی و انتظامی) نیز بین ۱۰ تا ۱۵ درصد رشد داشته است... سعی شده است که نیازهای مالی ارگان‌ها و دستگاه‌های نظامی عیناً پرداخت شود، در صورتی که متقابلاً در بعضی از دستگاه‌ها نیز رشد منفی یا در حد صفر بودجه داشته‌ایم."

لازم به ذکر است که بنابه گفته حسین موسوی نخست وزیر در سال گذشته بیش از ۴۰ درصد از بودجه صرف امور نظامی شده بود.

مسعود روغنی ذکر نکرد که "بعضی از دستگاه‌ها" بلکه بودجه‌شان دچار رشد منفی شده است شامل کدام یک از واحدهای دولتی می‌شود. اما گزارش‌های مستقل حاکی است که از بودجه عمرانی به میزان زیادی کاسته شده و در موارد متعددی به کلی حذف شده است.

## می‌خواهند همه را روانه جبهه کنند

تبلیغات و تدارکات برای راه‌اندازی "کاروان‌های کربلا" ادامه دارد. در همین راستا سپاه پاسداران از کلیه نیروهای متخصص و کارمندان دولت خواست تا جهت رفتن به جبهه به مراکز معینی مراجعه کرده و ثبت نام نمایند. از دانش‌آموزان و دانشجویان نیز خواسته شد تا برای اعزام به جبهه آماده شوند. مقامات دولتی برای جذب نیرو و بسیج آنان به جبهه‌ها دست به اقدامات گسترده‌ای زده‌اند و از جمله در مورد دانشجویان و دانش‌آموزان با ارایه امتیازاتی در زمینه تحصیل، تلاش دارند نیروی بیشتری را گرد آورند.

## حملات هوایی ادامه دارد

رژیم عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور، دوبار به شهر هویزه حمله کرده‌اند. در مقابل ستاد

مشترک جنگ نیز اعلام کرد که نیروی هوایی جمهوری اسلامی، طی روزهای اخیر دوبار به تاسیسات نظامی شهر الحاره عراق حمله کرده و در ضمن یک حمله هوایی در ناحیه شمال غربی پایگاه فکه نیز گزارش شده است. تاسیسات نفتی ترمینال خارک و یک نفتکش بزرگ نیز توسط عراق مورد حمله قرار گرفته‌اند. خبرگزاری‌های خارجی گزارش داده‌اند که ایران به یک کشتی بزرگ که راهی کویت بوده است، حمله کرده است. مقامات دولتی جمهوری اسلامی پیرامون این خبر سکوت کرده‌اند.

رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، ضمن گزارش خبر حمله عراق به هویزه، عنوان نمود که جمهوری اسلامی حمله به مناطق مسکونی ایران را بی‌پایه نخواهد گذاشت. و این در حالی است که رژیم عراق اعلام کرده است که در صورت وقوع هرگونه حمله‌ای، مناطق غرب کشور و تاسیسات نظامی و صنعتی را بمباران خواهد کرد.

## آموزش نظامی برای دانش‌آموزان

### اجباری است

با آن که پیش از این اعلام شده بود که طرح آموزش نظامی برای دانش‌آموزان در سال آینده به اجرا درخواهد آمد، ولی قائم مقام بسیج کل کشور اعلام کرد که آموزش نظامی در کلاس‌های دوم راهنمایی تا آخر دبیرستان اجباری است و هم اکنون کتاب آموزش نظامی سال دوم راهنمایی در دست چاپ است. وی در ضمن اعلام کرد که این طرح به دانشگاه‌ها هم تعمیم و گسترش داده خواهد شد.

## اقدامات تازه برای آموزش و جذب

### ساواکی‌ها

حجت الاسلام ری شهری وزیر ساواک جمهوری اسلامی، روز ۲۲ آذر ماه اعلام کرد که مدرسه تربیت جاسوس و شکنجه‌گر یزدی تاسیس خواهد شد. این مدرسه تربیت ساواکی، "دانشکده اطلاعات" نام گذاری شده است. وزیر ساواک جمهوری اسلامی هیچگونه اطلاعی در زمینه زمان، چگونگی تدریس و واحدهای درسی این دانشکده نداد.

از سوی دیگر رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه روز ۲۲ آذرماه، ساواکی‌هایی را که تا امروز نیز به کشور بازنگشته‌اند دعوت به بازگشت به کشور نمود. او گفت: "ما هیچ وقت ننگته‌ایم اینها بروند، خوب بیایند... برگردند بیایند، کسی به آنها کاری ندارد، گناهان کوچکشان بخشیده می‌شود، این ساواکی‌هایی که ما اینقدر طرفشان بودیم، حالا که از اینها در زندان است."

## برکناری استانداران ادامه دارد

به دستور وزیر کشور، سه استاندار دیگر نیز معزول شدند و به جای آنها افراد تازه‌ای منصوب گردیدند. معزول شدگان استاندارهای آذربایجان غربی، ایلام و سیستان و بلوچستان می‌باشند.

به خارج کشور گریخته بود. وی مدتی قبل با پشتیبانی مسئولین جمهوری اسلامی به کشور بازگشت و املاک سابق خود را مجدداً تصاحب نموده و به ایداً و آزار دهقانان پرداخته است.

این شخص در روستای ده میرزا از توابع بخش راین (در شهرستان بم) در محدوده قنات اهالی روستا اقدام به حفر چاه عمیق کرد که در نتیجه آن قنات خشکید و روستائیان خانه خراب شدند.

### ضبط احشام روستائیان ، برای وصول وام های رژیم شاه

پس از پیروزی انقلاب بازپرداخت وام های دریافتی روستائیان از شرکت های تعاونی روستایی متوقف شده بود و مسئولین، در آن زمان به تاخیر ابطال این وام ها را پذیرفته بودند. اما اخیراً در شهرستان فومن فشار شدیدی را جهت وصول وام های دریافتی اعضای شرکت های تعاونی روستایی به کشاورزان وارد می کنند. نیاز دولت به پول برای تامین جیب های جنگ به عنوان دلیل وصول این وام ها اعلام شده است. در مواردی حتی احشام روستائیان را نیز در ازای اقساط وام ضبط کرده اند. دست اندرکاران رژیم خمینی حتی بهره چندساله وام و زیان دیرکرد آن را نیز مطالبه کرده اند.

### ادعای مالکیت خانه های مسکونی مردم

رژیم ولایت فقیه، دانداری گسترش اموالی است که با نام وقف در تملک خویش دارد. زمین های اهالی نعمت آباد واقع در اطراف تهران از نمونه های آن است. اهالی نعمت آباد چند سال پیش زمین خانه هایشان را از یک سرهنگ زمین خوار خریداری کردند. اما هیات زمین های وقفی آستان قدس طی ابلاغیه ای به تاریخ ۲۰ مهر مالکیت اهالی را بر زمین های خانه هایشان غیرقانونی و غیرشرعی اعلام کرده و ادعای مالکیت این زمین ها را نموده است. ساکنین محله نعمت آباد مصممند در مقابل این ادعای بی پایه و بیاج خواهی مسئولین رژیم خمینی ایستادگی کنند.

### طرح تربیین ویتربین مغازه ها

در شهریور ماه از طرف "مقامات ذیصلاح" به فروشندگان پوشاک تهران، به ویژه خیابان مصدق و پاساژ صفویه دستور داده شد که باید ویتربین مغازه های خود را طبق نظر دولت دکوربندی کنند. به فروشگاه ها اعلام شد که حق ندارند ویتربین مغازه هایشان را به شکل "سه بعدی" دکوربندی کنند. چرا که ویتربین "سه بعدی" تحریک آمیز تشخیص داده شده است. دکور "یک بعدی" نیز باید به گونه ای باشد که ارتفاع اجناس داخل ویتربین از ارتفاع کردن یک آدم معمولی بالاتر نرود. طوری که بتوان داخل مغازه را از بیرون دید. آویزان کردن کفش داخل ویتربین، از دیگر عوامل تحریک آمیز ضد اسلامی به حساب آمده و ممنوع شده است.

### رژیم، مسئول مستقیم سوانح حین کار

\* در شرکت صنایع دریایی بوشهر، در روز ۱۴ آبان ماه کارگر بر شکاری در اثر سانحه حین کار کشته شد. شش ماه قبل نیز در همین شرکت، دو کارگر رنگ کار بر اثر انفجار به شکل فجیعی کشته شدند. شرکت به عنوان خسارت، تنها مبلغ ناچیزی به خانواده های مقتولین پرداخت نمود. سوجدویی، بی اعتنائی به جان و سلامتی کارگران و فقدان نظارت بر نصب وسایل و تجهیزات ایمنی در کارخانه باعث بروز این حوادث دلخراش است. در همین شرکت، رئیس اداره کار استان بوشهر، که ساعتی پس از وقوع سانحه برای کارگران سخنرانی می نمود، در مقابل کارگرانی که پیگیرانه خواست های خود را مطرح می ساختند چاره را در ترک فوری محل یافت.

\* در معدن سنگرود لوشان در روز ۱۳ آبان، دو کارگر معدن به نام های علی پور دیلمانی و مختار آقایی کشته شدند. قبل از این فاجعه بارها کارگران نسبت به فقدان وسایل ایمنی و خطر ریزش تونل هشدار داده بودند، اما هیچگونه توجهی به این هشدارها نشان داده نشد. در روز حادثه نیز به دلیل خطر ریزش تونل کارگران به طور دسته جمعی از ورود به معدن خودداری کردند و مسئولین را از خطر ریزش آن آگاه ساختند اما در مقابل، مسئولین با تهدید کارگران را وادار به رفتن به معدن ساختند که دقایقی پس از ورود کارگران تونل ریزش نمود.

کارگران معدن سنگرود لوشان از ابتدایی ترین حقوق و امکانات بی بهره اند. دستمزد ناچیز آنان نیز با تاخیر یکماه پرداخت می گردد.

### اعتصاب در کارخانه استارلایت و قتل یک کارگر

به دنبال خودداری مدیریت کارخانه استارلایت از پرداخت حق پورسانت، کارگران کارخانه دست به

### وضعیت اسف بار آموزش و پرورش در خرم آباد

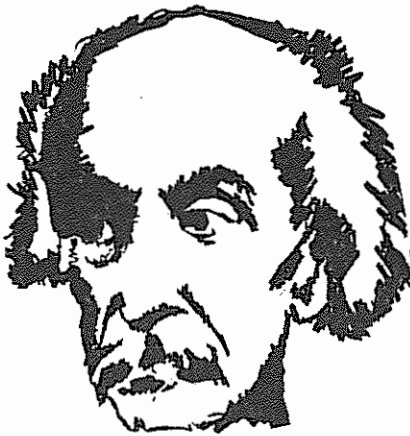
تعداد مدارس این استان بسیار کمتر از تعداد مورد نیاز است. از این رو در موارد متعدد مدارس را به شیفته کرده اند و در هر نوبت روزانه برای دانش آموزان تنها سه ساعت درس در نظر گرفته اند. در اینگونه مدارس درس هایی از قبیل اتماء، هنر، خط، نقاشی و ورزش را حذف کرده اند. در استان لرستان اخاذی از دانش آموزان تحت عناوین گوناگون و از جمله برای تامین هزینه جنگ با شدت ادامه دارد. دانش آموزانی که تن به اینگونه اخاذی ها ندهند، اخراج می شوند. در خرم آباد درگیری مداوم میان باند های حکومتی که آموزش و پرورش را در قبضه خود دارند، آشفتگی بسیاری در کار تحصیل پدید آورده است. مسئولین این اداره تاکنون به دفعات در محل اداره بایکدیگر به زد و خورد پرداخته اند.

درافشای عملکرد خائنانه رژیم در آموزش و پرورش خرم آباد، از سوی فدائیان خلق در این شهر، اعلامیه ای تحت عنوان "مدرسه و دانشگاه در چنگال ارتجاع" منتشر شد.

در آبانماه، دانش آموزان دبیرستان رفیع پور خرم آباد در اعتراض به فقدان امکانات آموزشی و نیز برای کسب حق استفاده از آزمایشگاه، از حضور در کلاس درس سرباز زده و دسته جمعی به طرف اداره آموزش و پرورش راهپیمایی کردند. مسئولین در واکنش نسبت به این حرکت اعتراضی دانش آموزان معترض را از دبیرستان اخراج نمودند. اما دانش آموزان از پانتنسته و بادست زدن به اقدامات جمعی مسئولین را وادار کردند پس از دوروز احکام اخراج را لغو نمایند.

در استان لرستان در سال جاری وضعیت آموزش و پرورش از همیشه اسفبارتر شده است و تاکنون که مدتی طولانی از آغاز سال تحصیلی سیری می شود، هنوز کمبود وسایل آموزشی از قبیل کتاب، میز و نیمکت بر طرف نشده است. کمبود معلم نیز مشکل دیگر دانش آموزان است. طبق یک برآورد در خرم آباد و یازده منطقه تابعه، کمبود معلم به حدود ۷۰۰ نفر می رسد. به این خاطر هنوز بسیاری از کلاسها فاقد معلم است.

## به گجای این شب تیره بیاویزم قبای زنده خود را



وای بر من!  
در شبی تاریک از اینسان  
بر سر این کله هاجنباں  
چه کسی آید نداشت گذارد پا؟

ظلمت فراگستر شده است. چشم، چشم، رانمی بیند، خون و مرگ است و قطار کشتگان. راه بیمودن در چنین ظلمتی دشوار است. تاریکی، نادانی است، همانگونه که دانائی، روشنائی. آنکه نمی داند، تاریک است و آنکه در تاریکی می گذرد، ممکن است ندانسته، بر کله های جنباں، پایگذار. آنها را ندیده بگیرد. آنها را نشناسد و حتی نبیند که این سرهای بریده مرده و بی حرکت شده اند، در جنبش و حرکت اند و حرکت را بشارت می دهند و پوش و زندگی را پاس می دارند و درکنار آنها، "دشمن مطرود" که توسط خلائق طرد شده و اینک برای بقای خویش به قسوس و مکر متوسل شده است، دست در کار خیانت خویش است. در چنین شرایطی، در چنین شبی، چه کسی در شبپور نجات خواهد دمید؟ چه کسی تاریکی را خواهد شکافت تا از پس آن روز و روشنایی را به مردم ارمغان کند؟ از تکان کله ها آساکوت این شب سستین کاندلر آن هر لحظه مطرودی قسوس تازه می بافت کی که بشکافت؟

اما، آیا به راستی در تاریکترین شب ها، در سلطه خونخوارترین خفاشان، دیگر جای امید و روشنایی نیست؟ اگر چنین باشد آن یاس مطلق جانکاه فرا خواهد رسید و همه چیز را خواهد بلعید. تاریکی ابدی خواهد شد و امید برای همیشه رخت خواهد بست. اما زمان ما، زمان امیدها، دانائی ها و قیام هاست، هر دشمنی اگر بتواند بخش وسیعی از مردم را نابود کند، همه مردم را نمی تواند تباہ گرداند. همواره در تاریکترین شب ها، هستند ستارگانی که از تن سپردن به فساد تاریکی تن زده باشند و از وجود خویش برای طلوع و شکافتن ظلمت حراست کرده باشند. نیما جراح جامعه است، نیما شاعری است که چشم اندازی از امید به آینده و پیروزی نور بر تاریکی دارد. نیما می شناسد آن ستارگان وارسته از فساد را که منتظر لحظه مقدس زایش دوباره اند، زایش دوباره انقلاب.

نزدیک به ۵۰ سال از سرایش شعر "وای بر من" توسط نیما گذشته است. اما هنوز استعاره ها و سمبل های آن ما را به مضمونی رهنمون می گردد که قوت و کارائی خویش را وانفاده است. و بدینگونه است سرنوشت شعری که منطبق بر روح زمان خویش و بازتابنده آن باشد. به شعر نگاهی تازه بیفکنیم.

کشتگاهم خشک ماند و یکسره تدبیرها  
گشت بی سود و ثمر  
چه تدابیر بسیاری که برای سبز کردن، آبادی  
به تشیدن و به میوه نشاندن "کشتگاه" اندیشیده و  
به کار گرفته شد، اما دریغ تدبیرها، سودی  
نبخشیدند و "کشتگاه" همچنان خشک ماند نیما  
نمی گوید خشک شد چرا که از ابتدا انیز سبز نبوده است  
و رتب بهار را ندیده است بلکه با بکارگیری فعل  
"ماند" به تداوم این خشکی اشاره می کند. اما چه  
نیروئی مانع از حلول بهار در باغچه است؟ چه نیروی  
تاریخی است که نمی گذارد سبزی و سبزیبختی، طراوت  
و بهار، به سرزمین ما رد کند؟

تنگنای خانه ام را یافت دشمن با نگاه حیل  
- اندویش  
دشمن حیل گرانه و نه مردانه و رویارو، به خانه  
ما، به کشتگاه ما آمد و پس از سفت کردن جای پاهایش  
خانه به خانه به جستجوی میارزان پرداخت و کمر به  
کشتار و قتل دلباختگان و وطن پست.  
وای بر من! می کند آماده بهر سینه من تیرهایی  
که به زهر کینه آلوده ست.  
دشمن، کشته شده است و مرگ دوست؛ دشمن مرگ  
را روا می دارد و رایج می کند و به کرسی می نشاند.  
دشمن، مرگ اندیش است و ریشه این  
مرگ اندیشی اش در گذشته هاست. این دشمن بطور  
تاریخی، دوستدار مرگ برای ما بوده و هست. او با  
"قبرهای کهنه" پیوند دارد. او از قبرهای کهنه ریشه  
می گیرد و بر بستر مرگ اندیشی اش "جاده های  
خونین" می سازد و "کله های مردگان" و به تعبیری  
پیکر جان باختگان راه آزادی و سعادت را روی هم  
می چیند تا برای خود مقری فراهم آورد.  
پس به جاده های خونین، کله های مردگان را  
به غبار قبرهای کهنه اندوده

از پس دیوار من بر خاک می چیند  
اما آتیا عطش "دشمن" این مبشر مرگ و تاریکی،  
این پیامبر خون و شکنجه با کشتن بخشی از مردم  
انقلابی فرو می نشیند؟ نه. او حتی برای شکنجه  
بازماندگان کشته ها نیز به هزار ترفند دست می یازد.  
او در میان سرهای بریده و جسد های سوخته و سینه های  
سوراخ سوراخ شده می نشیند و با رجز خوانی به زجر  
دادن مردم می پردازد.

و زبی آزار دل آزرندگان  
در میان کله های چیده بنشیند  
سرگذشت زجر را خواند،

پنداری نیما هنوز زنده است و با ما از میهن  
داغ دیده مان سخن می گوید. پنداری او هنوز از درون  
جنگلها و کوستانهای پوش "شب" در دناک و طولانی و  
خونین راکه برفلات ما پال گسترده است به ما هشدار  
می دهد؛

شانزدهم دی ماه برابر است با بیست و  
ششمین سالگرد درگذشت نیما یوشیج. نیما پدر  
شعر نوی فارسی است. او با شهامت  
و ایستادگی، سنت ها را شکست و در زمینه  
صورت شعر، محتوای شعر و زیبایی شناسی شعر،  
طرحی نو در افکند. او صلابتی در افکند که  
همگان را، مگر مردگان و متحجران را به  
مصداقی واداشت و این صلابت آن سان برطنین و  
شفاف و رسا بود که همواره متمایز خواهد  
ماند. و سالها نیز که بگذرد جدا از تاثیرش به  
صورت موجی که به پا کرد، خود دلها را به  
تهیدن و خواهد داشت و مغزها را به  
اندیشیدن. در سالگرد درگذشت نیما بر روی  
یکی از اشعار او تامل می کنیم.

### وای بر من

کشتگاهم خشک ماند و یکسره تدبیرها  
گشت بی سود و ثمر  
تنگنای خانه ام را یافت دشمن با نگاه حیل  
وای بر من! می کند آماده بهر سینه من تیرهایی  
که به زهر کینه آلوده ست.  
پس به جاده های خونین کله های مردگان را  
به غبار قبرهای کهنه اندوده  
از پس دیوار من بر خاک می چیند  
و زبی آزار دل آزرندگان  
در میان کله های چیده بنشیند  
سرگذشت زجر را خواند.  
وای بر من!  
در شبی تاریک از اینسان  
بر سر این کله هاجنباں  
چه کسی آید نداشت گذارد پا؟  
از تکان کله ها آساکوت این شب سستین  
- کاندلر آن هر لحظه مطرودی قسوس تازه می بافت -  
کی که بشکافت؟

یک ستاره از فساد خاک وارسته  
روشنایی کی دهد آتیا  
این شب تاریک دل را  
خارین ای خارین!  
بگذرید از راه من بی هیچ گونه فکر  
دشمن من می رسد، می گویم بر در  
خواهم پرسید نام و هر نشان دیگر.  
وای بر من.

به گجای این شب تیره بیاویزم قبای زنده خود را  
تا کنم از سینه ی پر درد خود بیرون  
تیرهای زهر را دلمون؟  
وای بر من!

یک ستاره از فساد خاک وارسته

روشنایی کی دهد آبی

این شب تاریک دل را؟

شاعر بی تاب آن لحظه مقدس است و چشم براه ، آنهم نه چشم برای منفعل، بلکه کسی که خود قلم بدست گرفته و با تشریح اوضاع حاکم برجامعه به ریشه افشانی دانائی کمک می رساند. پرش او نه از روی واماندگی که از روی اشتیاق و عمل است. او انسانی است که درین رهگذار، خود نیز چنگ در گریبان ظلمت فرو برده است و از این روی، دشمن در جستجوی اوست تا قتلش را کمر به بندد.

عابریں! ای عابریں!

بگذرید از راه من بی هیچ گونه دشمن من می رسد، می گویدم بر خواهم پرسید نام و هرنشان دیگر

این بند را شاعر با کلمه "عابریں" می آغازد. کسانی که زنده اند و راه می پویند و تاریکی نتوانسته است آن ها را اسیر و زمین گیر و خانه نشین کند، پس "عابریں" از ابتداء هم بوده اند.

اما شاعر، که در این جاسبلی از همه ی "پیداران" است. در رویارویی با "دشمن" زخم خورده است. او نظاره گری حاشیه نشین نبوده، بلکه خود در میدان عمل و آگاهی به ستیز با دشمنان مردم برخاسته و از این رهگذار اینک تیرهای زهر آلود و خونی در سینه اش نهشته است. شاعر برای ادامه حرکت خود نیاز به تیمار دارد و فرصتی تا تیرهای خلیده بر سینه اش را برون کند و به تیرد حماسه ساز و سرنوشت ساز خود ادامه دهد.

به کجای این شب تیره بیاویزم قیای ژنده خود را تا کشم از سینه ی پردرد خود بیرون

تیرهای زهر را دلخون؟  
وای بر من!

شعر "وای بر من" بیان دیگر اشعار نیماء به راستی آئینه ای از مبارزه مدام مردم ما وستم همواره ای است که بر آنان رفته است، مردمی که هر بار می ایستند، تا تیرهای زهر آلوده را از سینه پردرد خود بیرون بکشند و به تیرد خویش ادامه دهند.

## محکومیت رژیم در گردهمایی نیروهای صلح و ترقی

بقیه از صفحه اول

"ار - پی - چوک" وکیل دادگستری و رئیس اتحادیه سراسری حقوق دانان هندوستان و یازده تن از اعضای سرشناس این اتحادیه، کارتی رادر دفاع از جان زندانیان فدایی امضا و برای مسئولین رژیم جمهوری اسلامی ارسال داشتند.

\* بیش از ۱۷۲ تن از شخصیت های برجسته سیاسی، اجتماعی و هنری در شهرهای دلی، مدرس و آگرا نیز با امضای کارت مشابهی به دفاع از فدائیان در بند برخاستند. در میان امضا کنندگان نام برخی از رهبران حزب کمونیست هندوستان، اساتید دانشگاه، وکلای دادگستری، روزنامه نگاران برجسته و مسئولین اتحادیه های سراسری کارگران هندوستان و انجمن زنان دمکرات این کشور به چشم می خورد.

\* در روزهای نخست آذرماه هشتمین کنفرانس ملی "فداسیون جوانان سراسر هند" جنگ ایران و عراق را موجب تیره روزی مردم دو کشور دانسته، خواهان قطع فوری آن شده است. کنفرانس مزبور همبستگی خود را با مردم و نیروهای صلح دوست ایران و عراق اعلام نموده و از تمامی ملل جهان تقاضا کرده است که همه تلاش های خود را برای پایان بخشیدن به این جنگ خائنانه برانند از بکارگیرند.

این مطلب در ماهنامه زندگی جوانان چاپ هندوستان به چاپ رسیده است.

### فرانسه

\* در جریان یک گردهمایی سیاسی در شهر پاریس، "گی هر میه" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه و نماینده مجلس ملی این کشور، در اعتراض به کشتار فدائیان متن زیر را امضا نمود:

"ما ضمن محکوم کردن اعدام رهبران فدائیان خلق (اکثريت)، معترضاً غبرائی عضو مشاور سیاسی، رضی الدین تاهان عضو مشاور کمیته مرکزی و جهانگیر بهتاجی مسئول انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، توسط زندانبانان خینی، تگرانی عمیق خود را نسبت به خطر مرگ که جان انوشیروان لطفی

عشو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، مبین پرست پرشور و دلیر و مبارز را در دمکراسی و عدالت اجتماعی را نهید می کند، ایران می داریم."

متن فوق توسط صدها تن از شرکت کنندگان در گردهمایی مزبور امضا و مورد تأکید قرار گرفت. از آن جمله اند: "رؤی بیک مو" رئیس اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، "سرژگو" دبیر کشور و عضو دفتر کنوری اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه.

### بریتانیا

کنفرانس اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا در روزهای ۶ تا ۹ دسامبر (۱۵ تا ۱۸ آذر)، با شرکت بیش از هزار نماینده در شهر بلاك پول انگلستان برگزار گردید.

در بخش بین المللی این کنفرانس، کمیسیونی به مسئله جنگ ایران و عراق پرداخت که با استقبال جمع کثیری از نمایندگان مواجه گردید.

"جیم کاولی" از طرف ملیت ابرائیه اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا، ضمن ارائه گزارش کار اتحادیه در این رابطه، به مسئله همکاری با جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) - بریتانیا، طی سال گذشته اشاره نمود. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "ما از تمامی سازمانهای دانشجویی ترقی خواه که تحت سرکوب و فشار رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق هستند حمایت کرده و سرکوب این نیروها را محکوم می کنیم... جوانان فدایی در کنار جوانان کنگره ملی آفریقا و جوانان سواپا با اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا همکاری می کنند."

جوانان فدایی که در این کنفرانس حضور داشتند با برپایی نمایشگاه و توزیع اعلامیه های افشاگرانه علیه سیاستهای ضد انسانی رژیم پلید خمینی، شرکت کنندگان را در جریان آخرین رویدادهای سیاسی ایران قرار دادند. بیش از پانصد نفر کارت پستال های دفاع از جان رفیق انوشیروان لطفی را امضا کردند. ملیت ابرائیه اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا، رهبر اتحادیه دانشجویان جمهوری ایرلند، رهبر دانشجویان کمونیست (بریتانیا)، رهبر سازمان دانشجویان حزب کارگر بریتانیا و رهبر اتحاد چپ (دانشجویان بریتانیا) از جمله امضا کنندگان این کارت بودند.



را در راه محو ستم امپریالیسم و تأمین کامل حقوق دمکراتیک و پشتیبانی از منافع خلق‌های ستمکش میهن ادامه خواهیم داد. هواداران ما نیز در کنید موفق شده‌اند با محروم‌ترین توده‌های ستمکش دهقان، پیوندی ناگسستنی برقرار سازند. مامجده از منافع دهقانان بی‌زمین ترکمن در برابر غاصبان زمین‌های آنان حمایت می‌کنیم... ما در ترکمن صحرا با زگو کفنده و پشتیبان حقوق دهقانان بی‌چیز و بی‌زمین و مخالف زمین‌داران بزرگ، غاصبان دوران پهلوی و مکنندگان خون ستمکشان بوده ایم."

علی‌رغم فشارها و سرکوب‌های مداوم، ترکمن صحرا منطقه شوراهای دهقانی شد. "ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا" که در ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ تشکیل شد، هدایت شوراهای ایجاد شده و تلاش در جهت گسترش جنبش شورایی را در دستور کار خود گذاشت. کانون سیاسی و فرهنگی و ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا به سرعت در میان مردم محبوبیت یافتند و از پشتوانه توده‌ای عظیمی برخوردار گشتند. گام بعدی تشکیل اتحادیه‌های روستایی و سپس اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا بود. ترکمن صحرا به خاری در چشم ارتجاع بدل گشت: توطئه از پس توطئه آمد و یورش از پس یورش.

در اولین سالگرد انقلاب مرتجعین کینه خود را نسبت به دستاوردهای انقلاب در ترکمن صحرا نشان دادند. ددمنشانه‌ای آغاز گشت که در ادامه آن ارتجاع با ترور رفقا توماچ، مختوم، واحدی و جرجانی، چهارتن فدایی دلیری که از رهبران خلق ترکمن بودند، نهایت سبعت خود را به نمایش گذاشت. سرکوب دیگر قطع نشد. اما جنبش آنچنان ریشه گرفته بود که برخی از دستاوردهای خود را به ارتجاع نیز تحمیل نمود.

هم اکنون نیز علی‌رغم سرکوب‌های متمادی و کنترل پلیسی سنگین در ترکمن صحرا دستاوردهای

از انقلاب بهم، در این مراکز جنبش دهقانی حضور آشکاری داشتند و با توده دهقانان پیوندهای استواری یافتند. در میان این مراکز، ترکمن صحرا به لحاظ ژرفی که جنبش یافت و حضور بارزی که سازمان ما در آن داشت برجستگی خاصی دارد.

### نمونه ترکمن صحرا

بلافاصله پس از پیروزی قیام، جنبش دهقانی در ترکمن صحرا، با هدف خلع ید از زمین‌داران بزرگ در اکثر روستاهای این منطقه، گسترش یافت. حرکت تقریباً خودبخودی آغاز شد اما به زودی به ویژه پس از تشکیل "کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" با عنصر پیشاهنگ گره خورد. از همان ابتدا صف‌بندی نیروها بدین گونه بود که در یک سو دهقانان و زحمتکشان و روشنفکران ترکمن و سازمان پشتیبان آنان که همانا سازمان ما بود قرار داشت و در سوی دیگر زمینداران بزرگ، مرتجعین محلی، ضدانقلاب مغلوب و مرتجعین رژیم جمهوری اسلامی، سرکوب بلافاصله آغاز شد، از نخستین روزهای "بهار آزادی". باخ زحمتکشان ترکمن به سرکوب ارتجاع روشن بود: مقاومت و تداوم جنبش که مظهر آن "زمین و شورا" بود. باخ سازمان ما نیز در اطلاعیه ۱۴ فروردین ۱۳۵۸ سازمان بدین صورت تجلی یافت: "ما در هر کجای ایران که هواداران سازمان وجود داشته و فعالیت می‌کنند، حضور خواهیم یافت و تلاش پیگیرانه خود

مشاهدات و بررسی‌ها و کنکاش‌های سازمان در این زمینه، در مجموعه "تحقیقات روستایی" در اختیار جنبش قرار گرفت. سازمان ما برخورد با روستا را به لحاظ نظری از گفتارهای عام و به لحاظ پیوند عینی از صفر آغاز نکرد. بنیانگذاران سازمان ما و کادرهای اولیه آن اکثراً تماس نزدیکی با روستا داشته‌اند، برخی خود مستقیماً از دل روستا برون آمده‌اند و برخی موقعیت طبقاتی و اجتماعی‌شان تماس نزدیک و دایم با روستا را ایجاب می‌کرده است. بنابراین ما از آغاز برخورد از یک پشتوانه نظری و تجربی و دارای یک سلسله ارتباطات عینی مساعد بوده‌ایم. این پشتوانه مدام تقویت گشت و آن ارتباطات و پیوندها دائماً گسترش یافت. بیپوده نبود که با شروع جنبش توده‌ای، ما بلافاصله توانستیم جای پای خود را در روستا مستحکم سازیم. انقلاب ما را به ست گرانگه‌های جنبش دهقانی سوق داد. این امر بیش از آن که خود برانگیخته باشد، طبیعی بود. طبیعتاً می‌بایست چنین شود.

### پیوند با توده دهقانان

ناموزونی ناشی از یکسان نبودن ساله ارضی و دهقانی در همه مناطق ایران در حالی که باعث نمی‌شود ما نتوانیم از یک جنبش عمومی و سرتاسری دهقانی سخن بگوییم، موجب می‌گردد که این جنبش مراکز ثقل معینی بیاید. فدائیان خلق پیش و پس

یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای حیات ۱۵ ساله سازمان ما، تحکیم زمینه‌های عینی و ذهنی میسر و موثر برای پیوند جنبش انقلابی با جنبش دهقانی است. در عرض این ۱۵ سال کارنامه جنبش انقلابی در زمینه کار در میان دهقانان، در درجه اول از طریق رابطه فدایی با جنبش دهقانی تبیین می‌شود.

کارنامه فعالیت یک سازمان انقلابی در میان دهقانان، یکی از مهمترین شاخص‌های میزان توده‌ای بودن آن سازمان است. سازمان ما، تشکیلاتی توده‌ای و سرتاسری است. پیوند ما با جنبش دهقانی یکی از شاخص‌های اصلی این خصیصه سازمان ماست.

### توجه به روستا از روز نخست

ما از روز نخست، توجه ویژه‌ای به روستا داشته‌ایم. رفیق، مسعود احمدزاده نوشته بود "برای شکست ارتجاع باید توده‌های وسیع روستایی را به میدان مبارزه کشید." در اسناد اولیه سازمان، توجه به روستا عمدتاً از زاویه پراتیک مسلحانه صورت می‌گیرد. در این اسناد پاسخ سوال "چرا باید در روستا کار کنیم" از زاویه تحلیل طبقاتی و مرحله انقلاب بدیهی انگاشته شده و به نیازهای عملی اولویت داده شده است. به تدریج الزامات جنبه دوم، توجه بیشتر و دقیق‌تر بر روی جنبه اول را که حکم پایه و مبنا را دارد، ضروری ساخت. رفیق، جزئی در این زمینه تحلیل‌های ارزنده‌ای ارائه نمود که بسیار راهگشای بودند.

پویایی، همواره یکی از خصایص عمده سازمان ما بوده است. ما نشان داده‌ایم که همواره برای آموختن توانایی داریم. ما مدام آموخته‌های خود را نقد کرده‌ایم، از تجربیات تلخ و شیرین درس گرفته‌ایم و شناخت‌های خود را تعمیق بخشیده‌ایم. شناخت ما از روستا نیز هم‌پای تکامل دیدگاه‌های عمومی سازمان، دقت و شفافیت یافته است. تکمیل و تدقیق نظرگاه‌های سازمان در زمینه مسائل دهقانی و ترویج آن در سطح جنبش، به انزوی بسیاری از دیدگاه‌های اعتراضی رایج در آن زمان، به ویژه دیدگاه‌های مائوئیستی انجامید.

ما برای شناخت روستا به تماس نزدیک با آن رو آوردیم. شمره



ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، یکی از ثمرات رزم فدائیان

## بازتاب مسائل ایران در رسانه‌های جهان

### فرانسه

خود خبر اعدام ۵۰ تن از انقلابیون اسیر ایرانی در اواخر شهریورماه سال جاری را به چاپ رسانده است. این نشریه از رفقا غیری، تابان و بهنجاری که در زمره این گروه از بخون خفتگان خلق بودند، نام برده است. نشریه "آ.ای.ب" همچنین نسبت به خطری که جان رفیق اثوشریان لطفی مبارز سرشناس و عضو مشاور هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تهدید می‌کند هشدار داده است.

### اتریش

\* روزنامه "فولکس اشتیمه" (صدای خلق) ارگان حزب کمونیست اتریش تحت عنوان "ایران: کارگران اتومبیل سازی از خود دفاع می‌کنند..." می‌نویسد: "از ژوئن ۱۹۸۵ در بزرگترین کارخانه مونتاژ اتومبیل تهران بنام ایران خودرو (ایران ناسیونال سابق) چند بار درگیری‌های جدی میان مدیریت و کارگران رخ داده است که برنده این درگیری‌ها تا کنون کارگران بوده‌اند." این روزنامه سپس به موارد مختلف مقاومت کارگران در برابر تصمیمات ضد کارگری مدیریت پرداخته و در خاتمه از نقش فدائیان خلق (اکثریت) در یاری رساندن به مبارزه کارگران یاد می‌کند.

گزارش مبارزات ایران ناسیونال در "اکثریت" شماره ۸۲ به چاپ رسیده است.

روزنامه صدای خلق گزارشی نیز درباره تظاهرات فارسان در شماره ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر) خود درج کرده

### هندوستان

\* در آخرین روزهای نوامبر (اوایل آذرماه) چهار روزنامه برتیراژ شهر مدرس، "نیوز تودی"، "جاناسکتی، ماکوال کورال، مسلم، به چاپ خبر شهادت تعدادی از رهبران و کادربلای قهرمان سازمان مباردت ورزیدند و ضمن محکوم نمودن رژیم خمینی نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنوشت رفیق لطفی اعلام کردند.

\* مجله لینک نیز در اول دسامبر (۱۰ آذر) سال جاری با چاپ مطلبی تحت عنوان "اعدامها در ایران ادامه دارد"، ضمن اعلام خبر اعدامهای تازه در ایران، به تجلیل از قهرمانی و ایثار جان باختگان فدایی و توده‌ای پرداخت.

\* روزنامه پرتیراژ اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه، در تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۲ آذر) به چاپ خبری تحت عنوان "اعدام فدائیان" پرداخت. این روزنامه به استناد اطلاعاتی نمایندگان سازمان در اروپا نوشت:

"سه تن از اعضای سازمان بعد از یک محاکمه ساختگی اعدام شدند. اعدام شدگان عبارتند از: محمد امین شیرخانی، عضو هیئت نمایندگی خلق کرد در مذاکرات با دولت در سال ۱۹۸۰، ابراهیم لطف‌الله زاده عضو سازمان و محمد شیرودی مسئول سازمان در مریوان."

"هر سه نفر در طول مدت بازداشت در زندان تحت شکنجه قرار داشتند و با مقاومت قهرمانانه خود هیچیک از اسرار سازمان را فاش نساختند."

\* آژانس خبری فرانسه در تاریخ ۹ دسامبر (۱۸ آذر) به اعلام خبر اعدام "سه تن از مسئولین کردستان" سازمان رفقا محمد امین شیرخانی (مین)، محمد شیرودی و ابراهیم لطف‌الله زاده پرداخت و از این طریق مردم فرانسه را در جریان تبهکاری‌های تازه رژیم خمینی قرار داد.

### آلمان فدرال

\* تظاهرات خشمگین مردم فارسان، که گزارش آن در شماره ۸۲ "اکثریت" به چاپ رسید، در حلقهات مترقی جهان بعنوان نشانه‌ای از مخالفت روز افزون مردم ایران با رژیم خمینی و رویارویی فزاینده آنان با ارگانهای سرکوب این رژیم بازتاب یافت. بعنوان نمونه، روزنامه "عصرما" ارگان حزب کمونیست آلمان در شماره ۲۰ دسامبر (۲۹ آذر) خود مقاله‌ای در این باره تحت عنوان "ایران: قهر خونین علیه ساکنین محلات فقیرنشین" به چاپ رسانده است. در این مقاله پس از شرح جریان مقاومت مردم فارسان در برابر هجوم پاسداران، به نقش فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه توده‌ای اشاره شده است.

\* نشریه ماهانه "آ.ای.ب" چاپ آلمان فدرال در آخرین شماره

## رزم در وضعیت تازه

راندن بزرگ مالکان از روستا و مصادره زمین‌های غصب شده از آنان، شاخص عمده جنبش دهقانی در بسیاری از نواحی کشور در جریان انقلاب و دوره پس از آن بود. شاخص عمده دور دوم که هم اکنون نیز جاری است، مقاومت در برابر تلاش‌های حاکمیت برای بازگرداندن بزرگ مالک به ده و بازپس گرفتن زمین‌های مصادریست. در گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان در این مورد تاکید شده است: "امروز رژیم قادر نیست بدون اسلحه و زندان، مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان، جنبش ضد بزرگ مالکی را زنده نگه داشته است. با اطمینان باید گفت بذری که در روستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفته که نه سرنیزه ژاندارم و سپاه و نه فریبکاری‌های مرتجعین، هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه زحمتکشان علیه بزرگ مالکی پایان دهد."

در این وضعیت تلاش برای گسترش بخشیدن به مقاومت دهقانان و انعکاس مبارزات آنان اهمیت ویژه‌ای دارد. سرکوب و پیگرد وحشیانه رژیم، پیوند ما را با روستا تنگسته است و ما اکنون نیز همه امکانات را به کار می‌گیریم تا این وظیفه را گونه‌ای که شایسته یک سازمان طراز نوین طبقه کارگر است، به انجام رسانیم. نشریات ما اخبار مبارزات دهقانان را منعکس می‌سازد و تجربیات جنبش در این زمینه را جمع‌بندی می‌کند. گستردگی حجم اخبار و گزارشاتی که نشریه "اکثریت" از روستاهای کشور منتشر می‌کند، نمونه‌ای از امکانات بی‌بدیل ما در این زمینه است. شناخت وضعیت کنونی و رویدادهای روستاهای میهن، نشریات سازمان ما، منبع اصلی و جان‌نشین ناپذیر است.

تلاش ما تنها بعد تبلیغی را دربر نمی‌گیرد. فعالیت‌های سازمانگران در دوره‌ای که ارتجاع قادر به ترکانازی نبود چنان پیوندهای استواری بین سازمان و جنبش دهقانی برقرار ساخته است که ششیرخون‌ریز ارتجاع به هیچ رو قادر به قطع آن‌ها نیست. فدائیان، این پیوندها را مستحکم‌تر و مستحکم‌تر می‌سازند و فعالیت سازمانگران و بسیج‌گر خود را برای متحد کردن و متشکل کردن دهقانان و اعتلا بخشیدن به مبارزات آنان پیگیرانه پیش می‌برند.

دوره اعتلای جنبش دهقانی در این منطقه به وضوح آشکار است. مهمترین دستاوردها آگاهی است. دهقان ترکمن دیگر معنای شورا را می‌فهمد. می‌داند که با سرنگون کردن ارتجاع حاکم به چه شعاری باید تحقق بخشد. واژه‌های "زمین" و "شورا" برای دهقان ترکمنی معنای ملموس واژه "فدایی" است.

### حضور در همه جا

بعد از انقلاب در هر حرکت عمده دهقانی به روشنی می‌توان نقش و تاثیر فدایی را باز یافت. در کردستان نخست این سازمان ما بود که بر پیوند بین عنصر ملی و عنصر طبقاتی انگشت نهاد و در راه بسیج دهقانان تلاش کرد.

در کردستان یک جنبه مهم مبارزه در راه رفع ستم ملی و طبقاتی مبارزه علیه قشر فئودال‌ها و خوانینی بوده است که همواره عامل دولت ستمگر مرکزی محسوب می‌شدند. سازمان ما به درستی تاکید کرد که تنها با بسیج دهقانان زحمتکش کرد جنبش ملی از یک پشتوانه پایدار برخوردار خواهد شد.

حضور ما در ترکمن صحرا، کردستان، فارس، گیلان و مازندران، خراسان، بلوچستان و سیستان، آذربایجان، مناطق مرکزی و هر جای دیگری که جنبش دهقانی توانمند بود و بایاری عنصر پیشرو اعتلا می‌یافت، از جمله مهمترین عوامل طرح وسیع مساله ارضی و دهقانی در سطح جامعه بود.

تقریباً هیچ شماره "کار" را نمی‌توان یافت که در آن حرکت‌های دهقانی بازتاب نداشته باشد. این گونه پیوند وسیع با جنبش دهقانی فقط از یک تشکل توده‌ای سرتاسی، همچون سازمان ما برمی‌آید. سازمان ما خواست‌های دهقانان را در سطح وسیعی در جامعه منعکس ساخت. انعکاس این خواست‌ها و تبدیل شدن آن به نیروی مادی و بسیج‌گر ارتجاع را عقب می‌راند و به دادن وعده و وعید واهی داشت. ارتجاع عقب می‌نشست، اما در همان حال قوای خود را متمرکز می‌ساخت تا دوباره هجوم آورد و عقب نشینی خود را جبران کند. این موضوع برد افشاکری را وسیع‌تر می‌ساخت. دهقانان به تجربه دریافته‌اند که مرتجعین در عمل، بردست بزرگ زمین‌داران است که بوسه می‌زنند و برای روستاها جز فقر و سرکوب و مذلّت ره آورده ندارند.

## اطلاعیه پذیرش دانشجو در دانشکده اطلاعات!

برای پذیرش دانشجو در این دانشکده، اطلاعیه زیر را به صورت کامل سری برای اعضای ارکانهای کنفدرالعه فعال در امر سرکوب و شکنجه و پیگرد و دستگیری فرستاده است تا از میان آن هائیدگان را برای ادامه تحصیل در این دانشکده برگزینند. متن اطلاعیه چنین است:

اطلاعیه وزارت اطلاعات (ساواک ج.ا.و)  
شماره: ۰۰۷

## کامل سری

شراپیدا و طلبین:

داوطلبین باید علاوه برداشتن شرایط عمومی که در راس آن ها اعتقاد به ولایت فقیه است دارای شراپیدا باشند:

۱ - دارا بودن سوابق کافی در زمینه سعیت، جلادی و حیوان صفتی بنابر تشخیص روانشناسان ساواک شاهنشاهی  
۲ - آشنایی با اصول اولیه تعزیر مثل ناخن کشیدن، سوزاندن، شلاق زدن و اطفال بنابر تشخیص برادر لاجوردی  
۳ - آشنایی با احکام نظری شکنجه و کشتار بنابر تشخیص برادر آیت الله کیهلانی

۴ - داشتن حد بالای از رباکاری و دودوزه بازی بنا بر تشخیص برادر رفسنجانی

۵ - داشتن هوش و ذکاوت کافی بنابر تشخیص نماینده ولایتعهد محبوب آیت الله العظمی منتظری

۶ - داشتن شم پلیسی و اطلاعاتی بنابر تشخیص برادر چناب تیمسار فردوست

۷ - داشتن ضامن معتبر از میان تجار محترم، روحانیون طراز اول و انجمن اسلامی وزارت اطلاعات

۸ - دانستن زبان انگلیسی و ترجیحا عبری برای ادامه تحصیل و اخذ تخمض دردانشگاههای خارج ضروری است. ▶

ری شهری رئیس ساواک جمهوری اسلامی در سفر اخیر خود به شیراز اعلام کرد که "دانشکده اطلاعات ظرف چند ماه آینده تشکیل خواهد شد و نظام آموزشی آن در حال تدوین است." خبرنگار صفحه گوناگون از طریق "امدادهای غیبی" پی برده است که اخیرا ساواک جمهوری اسلامی

بدینوسیله به اطلاع می رساند که ساواک جمهوری اسلامی در نظر دارد از میان لایقترین برادرانی که در زمینه شکنجه و سرکوب و پیگرد از خود بیشترین حیوانیت را نشان داده اند، عده ای را برای طی مدارج عالی تر درنده خوئی و آدمخواری دردانشکده اطلاعات که بنا بر فرمان مطاع مهابونی حضرت آیه الله العظمی البشار القتال الموسوی الخیمینی دامن برکاته تشکیل شده است، دستچین سازد. دوران تحصیل در دانشکده اطلاعات نامحدود و شبانه روزی بوده و کلاس های درس عملی مخصوصا شبها و صبح زود در آزمایشگاه های مجهز اوپین برگزار خواهد شد. به دانش آموزان بعد از طی مدارج عالی در زمینه های تعزیر، تنقیل، تجاوز، پیگرد و خبرچینی مدرک کارشناسی ارشد اعطا خواهد شد. در نظر است برای طی دوره دکترایه دانشجویان کوشا بورس تحصیلی در دانشگاه های عالی خارجی وابسته به اطلاعاتی برادر، خاصه اینتلایجنت سرویس اعطا گردد. حقوق و مزایای تحصیل در دانشکده اطلاعات به قدری است که همه را بی نیاز خواهد ساخت.

## گریسمس آمریکائی

می نامد. از هر سه آواره در واشنگتن پایتخت آمریکا، تنها به یک نفر مکانی در نوانخانه ها می رسد. ۸/۶ میلیون نفر بیکار، لکه ننگی بر دامن سرمایه داری اند. در گریسمس اسال، نزدیک به ۲ میلیون آمریکایی سرنامی نداشتند تا در آن عید خود را جشن بگیرند.

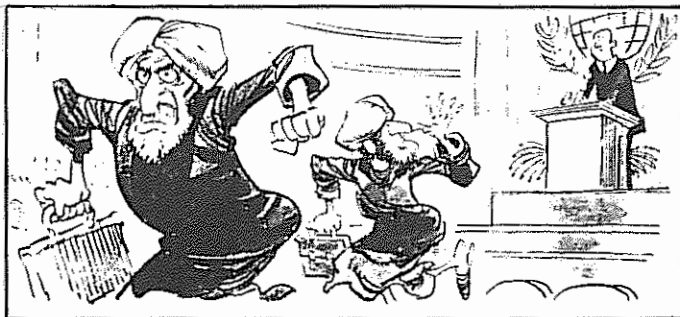
صحنه هایی نظیر آن چه در عکس زیر تصویر شده، در آمریکای امروز فراوان دیده می شود زنی بی پناه و آواره، در گوشه ای از خیابان های نیویورک، یکی از ثروتمندترین شهرهای جهان. این است آن چه ریگان "سرزمین خدا"، "چراغ آزادی" و "کشور امکانات نامحدود"



## جمهوری اسلامی و صلح جهانی

روژنامه سوئدی AMD این سوال را مطرح کرده است که اگر قرار باشد سازمان ملل در مورد خلع سلاح جهانی و برقراری صلح در سطح جهان تصمیم گیری کند، عکس العمل جمهوری اسلامی چه خواهد بود؟ آن ها بیافاصله

خشمگینانه جلسه را ترک خواهند کرد. کاریکاتورست این روزنامه با کاریکاتور زیر نحوه واکنش نمایندگان جمهوری اسلامی را توصیف کرده است.



## اورژانس؟

آمبولانس بیمارستان های خصوصی کمک بگیرید. گفتیم وصل کنید تا با دکتر اورژانس تهران صحبت کنیم. جواب داده شد که دکتر هم نداریم...

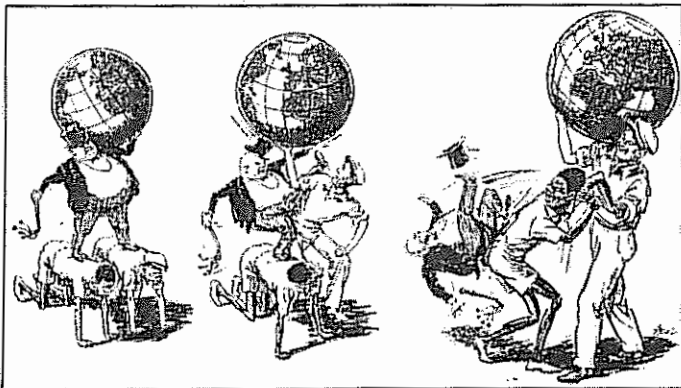
"در ساعت نه و نیم شب... بیمار قلبی داشتیم که وضع او وخیم بود و بهیمن خاطر از شماره ۱۲۳ اورژانس تهران تقاضای کمک کردیم اما پاسخ داده شد که ما آمبولانس نداریم و از

## ریگان خبرچین "اف.بی.آی" بوده است

آمریکایی "دالاس مورنینگ نیوز" ضمن درج این خبر می نویسد آقای ریگان وظیفه داشت نام و نشان مترمدان "مشکوک به کمونیست بودن" را در اختیار "اف.بی.آی." بگذارد. اسنادی که درباره این وجه "درخشان" فعالیت سیاسی ریگان منتشر شده، پرده از جزئیات خبرچینی وی، را بطین او... برمی دارد.

فردی که اکنون بر کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده تکیه زده، این مقام را به قیمت ارزانی به کف نیاروده است. رونالد ریگان، در سال های پس از جنگ جهانی دوم در میان هنرپیشه های هالیوود به عنوان خبرچین مورد اعتمادی برای "اف.بی.آی." پلیس فدرال آمریکا، مشغول کار بوده است. روزنامه

## دوران ما



امپریالیسم، طبقه کارگر، خلق ها و چرخش دوران ها

ملرح از آلفرد دیابیر هنرمند آلمانی

## جراوند دو لتی، کاغذهای باطله

جراوند دولتی عرصه چاکر منشی مسئولین مملکتی به قصد تقرب به درگاه خلافت و ارتقای مقام است. در جمهوری اسلامی صدها نشریه از سوی وزارت خانه ها و نهادهای دولتی منتشر می شود که همواره نیز بی خواننده مانده و چون کاغذهای باطله مورد استفاده قرار می گیرند. این حقیقت را یکی از نمایندگان مجلس به این شکل بیان کرد: "هر روز نوع جدیدی از نشریات توسط سازمان های دولتی طبع و نشر می شود که بعد از این ها را در مجلس هم توزیع می کنند و چون خواننده ای ندارد کونی کونی به جای کاغذ باطله استفاده می شوند."

## اخطار ناشر به مارکس

کارل مارکس وقتی جلد اول "سرمایه" را می نوشت، چند بار نسخه اولیه را بازبینی کرده و تغییر داد. در نتیجه، موعد تعوییل آن به ناشر مرتب به تعویق می افتاد. ناشر بالاخره صبرش نبریز شد، و به فکر افتاد برای این امر چاره ای بیاید نامه ای به مارکس نوشت که در آن آمده است:

"دست نوشته کتاب سرمایه که تعهد کرده اید آن را برای ما بنویسید، ۱۸ ماه است که تحویلش به تاخیر افتاده است. اگر در ظرف شش ماه آینده نسخه آن به ما نرسد، متأسفانه ناچار خواهیم بود نویسنده دیگری را مأمور نوشتن آن کنیم."

## لطیفه ای به نقل از يك نامه ارسالی از ایران

مسافری سوار اتوبوس شرکت واحد که مملو از مسافر بود، و بعد از این که با کلی معطلی اتوبوس راه افتاد سینه را صاف کرد و فریاد زد: برای پیروزی رزمندگان اسلام صلوات بفرستید! مسافری به او پاسخی ندادند. طرف این بار داد زد: برای حفظ جمهوری اسلامی صلوات بفرستید! مسافری در پاسخ فقط غرغر کردند. فرد سچ این بار بلندتر فریاد کشید: پس برای طول عمر امام صلوات بفرستید! غرغر مردم که بیشتر شد، مسافر گفت: انگار همه از خودمان هستند، حالا که اینطور "کل پری جون، بعله..."

## جنگ ایران و عراق از دیدگاه نیروهای صلحدوست جهان



دیدگاه کمیته آلمانی "صلح، خلع سلاح و همکاری"، در این باره، آقای مانفرد اوسنیک دبیر این کمیته مقاله ای برای "اکثریت" تهیه کرده که با تشکر از ایشان به چاپ می رسد. لازم به تذکر است کمیته مزبور، بخش عمده ای از بار فعالیت های جنبش صلح آلمان فدرال را بر عهده دارد و هماهنگ کننده این فعالیتها است.

\* \* \*

آبهای دریای عمان، در خلیج فارس، در عربستان سعودی، عمان و دیگر کشورهای منطقه مورد سوء استفاده قرار می دهد.

هم اکنون پایگاههای ایالات متحده در "دهران" عربستان سعودی و در جزیره صبره، متعلق به عمان، به آخرین انواع سیستم های نظامی مسلح می شوند. مستشاران نظامی آمریکایی در عربستان نظامیان این کشور را تعلیم می دهند. در سال گذشته حتی یکبار خلبانان آمریکایی سوار بر جنگنده های عربستان سعودی در ایران که گویا به حریم هوایی متحدهین آمریکا تجاوز کرده بود، شرکت جستند. به بهانه وقایع اخیر پیرامون جزیره خارک - به تحریک ایالات متحده آمریکا - سران کشورهای عضو "شورای همیاری خلیج"، عربستان سعودی، عمان، کویت، قطر، امارات متحده عربی و بحرین، دور هم گرد آمدند و برای انجام یک مانور نظامی مشترک در خلیج برنامه ریزی کردند. در همین سیمایر گذشته بزرگترین خرید اسلحه تاریخ توسط عربستان سعودی صورت گرفت. آمریکا در حال حاضر سعی دارد "شورای همیاری خلیج" را به یک پیمان نظامی در ارتباطات تنگاتنگ با ناتو تبدیل سازد.

نقشه آمریکا این است که با استقرار نیروهای نظامی در منطقه، راسد جهت سرکوب جنبشهایی که منافع امپریالیسم در منطقه را به خطر می اندازند، اقدام نماید. بدین ترتیب مستگیری سیاسی و اقتصادی کشورهای خلیج در معرض اعمال فشار و ترور ایالات متحده قرار میگیرد. ابزار سرکوب و حفظ منافع غارتگرانه آمریکا در منطقه در درجه اول ۴۰۰ هزار نظامی وابسته به نیروی واکنش

جنگی که به تحریک امپریالیسم آمریکا، به خلقهای ایران و عراق تبدیل شد و هم اکنون رژیم جنایتکار خمینی با هدفهای مداخله گرانه آن را ادامه می دهد، هم به دلیل فجایح و مصائب عظیمی که برای مردم دو کشور به بار می آورد، و هم به علت خطرات آن برای صلح جهانی، مورد توجه نیروهای صلحدوست کشورهای کوناگون قرار دارد. برای آشنایی با

جنگ ایران و عراق از خونین ترین درگیریهای نظامی از هنگام پایان جنگ جهانی دوم تاکنون است. هیچ یک از درگیریهای نظامی در سالهای اخیر در جهان به اندازه جنگ ایران و عراق که هم اکنون بیش از جنگ جهانی اول به طول انجامیده، باعث این همه تلفات انسانی، مادی و معنوی نشده است.

این واقعیت باید افکار عمومی جهان را تکان دهد و بیدار سازد، باید انگیزه ای برای تلاش بیشتر بین المللی جهت پایان دادن به این خونریزی و تخاصم بیپایان باشد. جنگ خلیج می تواند در صورت "گسترش افقی" عامل خطر و تهدیدی جدی برای صلح جهانی باشد. تنها کسانی که از ادامه جنگ خلیج سود می برند، تولیدکنندگان اسلحه در کشورهای سرمایه داری غرب، ایالات متحده آمریکا و متحد شماره یک آن در منطقه، اسرائیل هستند.

پس از سقوط رژیم محمدرضا شاه در ایران، ایالات متحده یکی از متحدهین اصلی خود در منطقه خلیج و یکی از پایگاههای اصلی در جوار اتحاد شوروی را، که از آن استفاده های وسیع نظامی و جاسوسی می برد، از دست داد.

شروع جنگ میان ایران و عراق بار دیگر به ایالات متحده بهانه افزایش حضور نظامی از دست رفته اش در منطقه را داد. ایالات متحده با اجرای انواع تحریکات و توطئه های پشت پرده، عامل اصلی ایجاد عدم ثبات در منطقه می باشد.

هر بار که جنگ ایران و عراق در طول جبهه ها و در منطقه خلیج اوج می گیرد، ایالات متحده تشنج ناشی از آن را برای تثبیت موقعیت نیروهای دریایی، هوایی و کوماندوهای خود در

سریع هستند که تحت مسئولیت ستاد فرماندهی مرکزی (سنتکوم) فعالیت می کنند. ایالات متحده هر جا که جنبش های اجتماعی منافع آنرا به خطر می اندازد با تحریک و ایجاد درگیریهای منطقه ای و گسترش افقی آنها برای حضور خود در منطقه بهانه می سازد.

آمریکا علاوه بر این سعی می کند دیگر کشورهای متحده خود در پیمان "ناتو" را به ماجراجوییها و تجاوزات نظامی بکشاند.

متأسفانه جمهوری فدرال آلمان امکانات وسیعی را در اختیار نیروهای واکنش سریع و دیگر بخشهای ارتش آمریکا قرار داده است.

دولت آلمان فدرال با امضای یک قرار داد متعدد شده است که در مواقع ضروری با نیروهای مسلح کشور ما، حلقه های ضعیف زنجیره ارتش متجاوز ایالات متحده را تقویت کند. بنابراین سرنوشت مردم آلمان فدرال نیز به نحوی به وقایع منطقه خلیج فارس مربوط است جنبش صلح کشور ما باید بیش از پیش جنگ ایران و عراق را مورد توجه قرار دهد و برای پایان پذیرفتن آن مبارزه کند.

در این جنگ، ایران و عراق هیچ یک برنده نخواهند بود. خلقهای دو کشور هم اکنون بازنده این جنگ هستند.

ما مبارزات نیروهایی که در ایران برای پایان پذیرفتن جنگ ناعادلانه خلیج مبارزه می کنند - بویژه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - را تحسین می کنیم. با جلب همبستگی بین المللی با مبارزات ضد جنگ و ضد رژیم مردم ایران و سازمان های پیشروی آنها، باید زمینه را برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز آماده ساخت.

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

لویس کوروآلان، دبیرکل حزب کمونیست شیلی :

## شالوده اتحاد ضد دیکتاتوری

## اشتراک در هدف عاجل و انعطاف در شیوه‌های مبارزه است

از صفحه اول

سالوادور آلنده همواره بر یک تفاوت مهم تأکید می‌کرد. او از دشمنان و از مخالفان سخن می‌گفت و منتگورش از دسته دوم، کسانی بودند که موضعشان متفاوت است اما (یا موضع ما) تضاد آشتی‌ناپذیر ندارند. هم اکنون، پینوشه و دارو دسته‌اش دشمنان ما هستند. آن‌ها می‌خواهند ما را نابود کنند، کمونیسم را از صحنه جهان محو ساخته و کمونیست‌ها را از بین ببرند. از نظر آلنده، مخالفان، انسان‌هایی هستند که عقایدشان بعضاً منطبق با عقاید ماست و بعضاً نه. اما علاقه مشترک به همه امور مربوط به حال و آینده، ما را به آن‌ها پیوند می‌دهد. اکثر آن‌ها، ترقی خواهند و با دیکتاتوری پیکار می‌کنند.

ما همراه با بسیاری از این مخالفان، مشترکاً از منافع زحمتکشان و از منافع کل خلق دفاع کرده و برای بازگشت هر چه زودتر به دموکراسی می‌کوشیم. مناسبات ما با دشمنی از آن‌ها چندان خوب نیست. مایوسه با آن‌ها در تماسیم و به بحث دوستانه می‌پردازیم. اما آن‌ها وقتی از ما می‌خواهند مشی سیاسی خود را عوض کرده و به صف دنباله‌روان "اتحاد دموکراتیک" و متحدین راستگرای جدید آن بپیوندیم، تقاضای غیرممکنی را مطرح می‌کنند. آن‌ها، چه علناً و چه در مذاکرات خصوصی، اصرار می‌ورزند که مادر مبارزه علیه دیکتاتوری از اعمال قهر و برخی شیوه‌های مبارزه خود، چشم پوشیده و تنها به اشکال مسالمت آمیز متوسل شویم. آن‌ها، بر این پافشاری می‌کنند که ما نه سیاست خود، بلکه سیاستی را دنبال نماییم که احزاب دیگر، و در وهله اول حزب دموکرات مسیحی، می‌کوشند به ماتحمل کنند. همچنین از ما می‌خواهند از حضور خود بکاهیم زیرا به نظر آن‌ها، حضور دایمی حزب کمونیست در صحنه، می‌تواند بر پیش‌روی به سوی احیای دموکراسی تأثیر نامساعدی داشته باشد. اغلب، سیاست ما تحریف می‌شود یا به آن مشخصاتی نسبت می‌دهند که فاقد آنست. در رسانه‌های گروهی، که در اختیار مخالفان ماست، اغلب ادعا می‌شود حزب کمونیست "به نظامی‌گری دچار شده"، به مبارزه مسلحانه روی

آورده و درصدد به راه انداختن یک "جنگ فرسایشی" است.

به احتمال بسیار قوی، دوره بسیار سختی در پیش داریم. پینوشه، از خود بیخود شده و مانند همیشه، از هیچ چیز برای حفاظت ابا ندارد. او از اعتراضات ماه اوت و به ویژه سیتامبر، دچار خشم سوزانی گردیده است. سند معروف به "توافق درباره حزب منتشر کرده و کاردینال فرسنو، یکی از رهبران اپوزیسیون راست - سائترست، از آن پشتیبانی نموده، دیکتاتور را، با این که در آن به او امتیازاتی داده‌اند، بسیار تکرار کرده است. این سند، پینوشه را در میان اطرافیان خود، در نیروهای مسلح و در عرصه بین‌المللی، با مشکلاتی مواجه نموده است. اظهارات پینوشه درباره این سند، پیرامون اعتراضات خلق نشان می‌دهد که او در برابر خواست‌های مردم، و در برابر هزاران برهان دال بر این که کشور در حال گذار به دموکراسی است، کور و کر است و کور و کر خواهد ماند.

هر روز، این امر ضروری تر میشود که همه مردم شیلی بسیج شوند و اقداماتشان در مبارزه، در رابطه با اپوزیسیون چپ، راست و میانه هماهنگ گردد. باید به اتفاق هم، سراسر کشور را بپا خیزانیم، تا همه نیروها، در نبرد برای پایان دادن به ترور فاشیستی و پیروزی، به کار آیند. در نامه جوابیه‌ای که کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی در ماه مه امسال به رهبر حزب دموکرات مسیحی فرستاده آمده است :

"آقای والدوزا به نظر ما، باید در مبارزه، این وظیفه را فراروی خود قرار دهیم که مشترکاً راه مشخصی را بپیماییم، که از طریق آن، برچیدن بساط دیکتاتوری و فاشیسم امکان پذیر باشد. ما بر آنیم که در این راه، پیکار توده‌ها و بسیج نیرومند افکار عمومی، که در ترکیبی از شیوه‌های مسالمت آمیز و قهر آمیز مبارزه بروز خواهد کرد، نقش اصلی را ایفا خواهد نمود. تکرش صرفاً نظامی به مساله، ساده‌سازی بوده و موضع ما را در گروگن جلوه می‌دهد. اما اگر ما می‌توانیم عملکرد دیکتاتوری را در نظر آوریم، آشکار

می‌شود که دفاع خلق از خود و تقویت نفوذ آن در نیروهای مسلح باید نقش تعیین کننده‌ای ایفا کند."

## قهر انقلابی

## پاشویه‌های مسالمت آمیز؟

راهی که به پیشنهاد ما باید مشترکاً در پیش گرفته شود، راهی که خلق مبارز ما می‌پیماید، نظامی گرایانه نیست. درست نیست بدان مبارزه مسلحانه و یا به اصطلاح جنگ فرسایشی اطلاق شود. از سوی دیگر، اشکال مبارزه‌ای که ما پیشنهاد می‌کنیم و خلق به کار می‌گیرد، صرفاً مسالمت آمیز نیستند. نه راه و نه اشکال مبارزه را نمی‌توان به دلخواه تعیین کرد. آن چه آن را تعیین می‌کند، شرایط عینی و نیز دوندیشی، اراده مبارزه و توان رزمی نیروهای است که در راه ترقی اجتماعی می‌کوشند.

حزب ما، در اقدامات خود برای دگرگونی‌های ترقی و انقلابی، از ۱۹۵۶ تا کودتای فاشیستی بدین اصل وفادار ماند که این تحولات می‌توانند از طریق مسالمت آمیز تحقق یابند. حزب ما، پیوسته و پیگیرانه در این راه کوشیده و طی آن، حملات از جانب راست را دفع کرده و با سوء تفاهات از جانب چپ مقابله نمود.

حزب ما، در دوره ریاست جمهوری کارلوس ایبارز، خورخه الساندرو و ادواردو فری چنین روشی در پیش گرفت، یعنی زمانی که با وجود محدودیت‌های دموکراسی بورژوازی، باز هم آزادی‌های شهروندی وجود داشت، پارلمان کار می‌کرد و بر مطبوعات، پلورالیسم حاکم بود. جریان‌های اجتماعی گوناگون در تلویزیون شیلی امکان بیان مواضعشان را می‌یافتند. جنبش سندیکایی و احزاب، از حقوق خود بدون محدودیت‌های اساسی استفاده می‌کردند، و نظام انتخاباتی، یکی از دموکراتیک‌ترین سیستم‌های انتخابات تحت شرایط سرمایه‌داری بود. در آن هنگام، سازمان‌های طبقه کارگر، دهقانان، جوانان و دانشجویان، زنان، کارمندان دولت و به طور کلی همه تشکلهای مردمی به سطح قابل

توجهی از تکامل رسیده بودند. بنابراین، راه مسالمت آمیز بر شرایط آن روز انطباق داشت. پیروزی سالوادور آلنده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۰ و تحولات انقلابی‌ای که دولت وی انجام داد، نشان دادند که حق با کمونیست‌ها بود. ما راهی را در پیش گرفتیم و به مدت ۱۰۰۰ روز آن را پیودیم. به نثر ما، شکست سال ۱۹۷۲ به معنای آن نیست که این ترقی، اعتبار خود را از دست داده است. اما با وجود دیکتاتوری تروریستی امروزی، که می‌خواهد به زور اسلحه، برای خود موجودیت ابدی تأمین کند، حتی اندیشیدن به امکان راه مسالمت آمیز با شیوه‌های صرفاً مسالمت آمیز مبارزه، که اپوزیسیون راست میانه به ما توصیه می‌کند، بسیار ساده لوحانه خواهد بود.

امروز، دفاع از راه مسالمت آمیز و شیوه‌های صرفاً مسالمت آمیز، عملی برخلاف واقعیات است. اما این، بدان معنا نیست که هیچ راهی جز مبارزه مسلحانه و هیچ شیوه دیگری جز چنین می‌بود، ما آشکارا چنین می‌گفتیم. مایست خود را پنهان نمی‌کنیم، و درباره آن، همه چیز را به صراحت بیان می‌داریم، تا مردم از این سیاست آگاه باشند و این سیاست در میان توده‌ها به نیروی مادی تبدیل شود.

در شرایط کنونی، در جریان پراکندگی روزمره است که راه مشخصی برگزیده شده و رهنمودهای تئوریک و سیاسی فرمولبندی می‌شوند. در سپتامبر ۱۹۸۰، ما حق خلق مبنی بر اقدام علیه استبداد را مطرح کردیم. این اقدام ما، چند روز پس از رفراندومی بود که با آن، پینوشه می‌خواست به کشور یک قانون اساسی فاشیستی تحمیل کند. در این قانون، ماده‌ای درباره حکومت مادام‌العمر وی وجود داشت. قانون مزبور به پینوشه امکان می‌داد وضع فوق‌العاده را تا ابد پابرجا نگه‌دارد. ما می‌بایستی تصمیم می‌گرفتیم. آیا باید دست روی دست گذاشته و منتظر می‌شدیم که زمان چه پیش خواهد آورد؟ (در چنین صورتی، ما در

ببرترین حالت می‌بایستی به موقعیت نسبتاً راحت اپوزیسیونی در داخل نظام، اکتفا می‌کردیم. و با می‌بایستی در حرف و در عمل، علیه نظام دولتی شبه فاشیستی موضع گرفته و از این طریق، سهم خود را در اوج گرفتن مبارزه علیه رژیم، و دریاری رساندن به اقدامات مبارزه جویانه توده‌ها در اشکال گوناگون آن ادا می‌کردیم؟

ما راه دوم را برگزیدیم. این، و تلغیف میهنی و انقلابی ما بود. پیشرفت‌های بزرگ سالهای اخیر تنها ثمره کوشش‌های مان نیست. اما اگر ما در سال ۱۹۸۰ تشخیص نمی‌دادیم که فاشیسم نظام یافته به چه معناست، و اگر تحولات در اذهان مردم را احساس نمی‌کردیم، ضروریات نوینی را که مبارزه مطرح کرده بود، در نمی‌یافتیم. یاب عبارت دقیق‌تر، اگر حق خلق برای اقدام علیه استبداد را مطرح نمی‌ساختیم، اگر بر ضرورت بکارگیری شیوه‌های به کلی متفاوت مبارزه هم مسأله‌ای نبود، قهر آمیز-تاکید نمی‌کردیم، اگر ثابت نمی‌کردیم که توان روی آوردن از حرف به عمل را داریم، در این صورت پیرویه و دار و دسته‌اش آسایش خود را از دست نمی‌دادند، و اپوزیسیون سانسوریت، همچنان نشسته بود و انتقامی کشید.

آنچه در سال‌های اخیر در راه اعتلای مبارزه نیرومند توده‌ای در اشکال گوناگون آن، و برای وارد آوردن ضربات لاینقطع با استفاده از هر وسیله قابل تصور، انجام شده است، مهمترین فاکتور در جبهه‌بندی جدید سیاسی است. این امر، چشم‌اندازهای نوینی گشوده و باعث شده است که امروز، بخش بزرگی از خلق، روحیه‌ای تزلزل‌ناپذیر و رزم‌جویانه داشته باشد.

این امر، همچنین علت جستجوی امپریالیسم آمریکا و محافل معینی از بورژوازی به دنبال راه‌برون رفت (به سبک خودشان) از موقعیت تخاصم کنونی را توضیح می‌دهد. در ایجاد این فضا، همچنین اقدامات جبهه میهنی "مانوئل رودریگز" موثر بوده است. عملیاتی نظیر منفیر کردن کابل‌های فشار قوی، مستلزم تخصص، تشکل آهنگین و بی‌باکی است.

ما کمونیست‌ها بر آنیم که تحول اوضاع، به احتمال قریب به یقین به رویارویی سرنوشت ساز خلق و دیکتاتوری خواهد انجامید. در گزارش آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما گفته شد: "ما این امر را به صورت یک قیام توده‌ای که تمام

خلق، بخش اعظم نیروهای سیاسی و اجتماعی و احتمالاً مخالفان دیکتاتوری در ارتش را در برگیرد، پیش‌بینی می‌کنیم. باید به چنان سطحی از اعتراض عمومی رسید که از طریق اقدامات توده‌ای در مهمترین شهرها، با شرکت فعال پرولتاریای صنعتی، دانشجویان، اقشار میانی و دهقانان، کشور به تمام معنی فلج شود. ضربات موثر برای فلج کردن رژیم و شتاب بخشیدن به تلاشی سیاسی و روحی ارکان‌های سرکوب، این اقدامات را تقویت خواهد کرد. نقطه اوج این روند، محاصره مهمترین مراکز سیاسی کشور توسط توده‌ها خواهد بود."

از سوی دیگر، نیروهای اجتماعی به رهبری "شورای رهبری ملی زحمتکشان" بسیج می‌شوند. اندیشه اقدامات نیرومند مسأله آتیز، که در احزاب متعلق به بلوک سوسیالیست (اتحاد گروه‌های سوسیالیستی) و اتحاد دمکراتیک پا گرفته است، راه خود را باز می‌کند. ایده اعتصاب عمومی نیز از سوی محافل وسیعی از اپوزیسیون مورد استقبال قرار می‌گیرد. در چنین صورتی، پیرویه با موقعیتی مواجه خواهد شد که در آن، حکومت کردن غیر ممکن خواهد بود.

### قیام توده‌ای ممکن است

تو ما مبنی بر امکان قیام توده‌ای، و ایده‌ها و رهنمودهای فوق، به نظر ما خطوط اصلی راهی از مبارزه را در بر می‌گیرند که نمی‌توان آن را به گونه‌ای جامد، مسلحانه یا غیر مسلحانه نامید. این راه، می‌تواند در عمل به این یا آن طریق نزدیک شود. کم و بیش قهر آمیز یا کم و بیش مسالمت آمیز باشد، بسته به این که دامنه جنبش، عزم و توان رزمی توده‌ها تا چه حد و تحولاتی که می‌تواند در رفتار و طرز فکر و موضع نیروهای مسلح روی دهد به چه میزان برسد.

میان اشکال گوناگون مبارزه، دیوار چین کشیده‌اند. آن‌ها نه متضاد و نافی هم، بلکه مکمل یکدیگرند. ما از قیام خلق، از اقدام مصمم خلق سخن می‌گوئیم. برخی دیگر، مقاومت منفی و امکان ناپذیر کردن ادامه حکومت را مطرح می‌کنند. می‌توان پرسید: تفاوت اساسی در چیست؟ اگر چنین تفاوتی موجود باشد، تنها در جزئیات است. در همه این مواضع، موضع مبارزه علیه دیکتاتوری و برخورد انقلابی را می‌بینیم. ما، به مثابه عوامل اصلی روند اجتماعی، متحدی از هم می‌آموزیم و آنچه را از یراتیک توده‌ها بر می‌خیزد، می‌پذیریم.

ما اطمینان داریم پایان نبرد مشابه آنچه خواهد بود که بیان کردیم، اگر چه امکانات دیگر نیز کاملاً منتفی نیستند. آنچه ما غیر ممکن و توهم آمیز می‌دانیم، آن است که با پیرویه پیرامون پیرویه به سوی دمکراسی به تفاهم برسیم. اما توافق در این باره با نیروهای مسلح، بدون شرکت دیکتاتور، منتفی نیست.

### عامل اصلی

مهمترین و تعیین کننده‌ترین فاکتور در موقعیت کنونی، مبارزه توده‌ها و اقدامات متشکل همه نیروهای اپوزیسیون است. این اقدامات، باید به تلاشی دیکتاتوری منجر شوند، و این امر، عامل اصلی تشدید بحران سختی است که حکومت در آن به سر می‌برد. همین عامل، جنبش علیه دیکتاتوری را، صرف نظر از این که اوضاع در آینده به چه عنوان پیش خواهد رفت، به راه درست هدایت خواهد کرد.

لنین در سخنرانی ۱۸ مارس ۱۹۱۹ خود به مناسبت گرامیداشت یاکوف سوردف، با تاکید خاطر نشان



عکس بالا، سندگان دهنده‌ای از جنایات رژیم فاشیست پیرویه است. جلادان، لباس‌های محکومین را درآورده‌اند تا لحظاتی بعد اعدامشان کنند. این عکس به طور مخفیانه در اکتبر ۱۹۸۲ برداشته شده است.

ساخت پرولتاریای روسیه بدون قهر انقلابی نمی‌توانست پیروز شود. وی به ویژه تاکید نمود: "قهر انقلابی، تنها در مراحل معینی از تکامل انقلاب، تنها تحت شرایط معین و ویژه‌ای، شیوه ضروری و قانونمند انقلاب بود، در حالی که سازماندهی توده‌های پرولتر، سازماندهی زحمتکشان، مشخصه بسیار اساسی‌تر و دایمی این انقلاب، و شرط لازم برای پیروزی‌های آن بوده و هست. درست در همین سازماندهی میلیون‌ها زحمتکش، بهترین شرایط تکامل انقلاب و سرچشمه لایزال پیروزی آن نهفته است."

ما به این اصول وفاداریم و معتقدیم مهمترین عامل، جنبش توده‌ای است و اعمال قهر، میزان آن و جایی که باید به کار رود، به شرایط مشخص بستگی دارد. این بدان معناست که بدون پیکار توده‌ای، نمی‌توان به استبداد پایان داد. قیام می، که ما آن را محتمل‌ترین امکان می‌دانیم، وقتی به واقعیت تبدیل خواهد شد که عوامل عینی آن موجود باشد، وقتی که قیام، تنها راه باشد و خلق، این را دریافته و تصمیم خود را برای اقدام به قیام بگیرد.

در شامه جوابیه به رهبر حزب دمکرات مسیحی که پیشتر، ذکر آن رفت، این واقعیت تغییر ناپذیر خاطر نشان شده که "حزب کمونیست مرکز علیه جامعه شیلی متوسل به قهر نشده است". در ادامه آمده است: "ما تمایلی به قهر نداریم. اگر ما ضرورت سیاسی و روانی اعمال قهر را امروز پذیرفته ایم، تنها از این رو است که دیکتاتوری، علیه خلق، کشور و همه مردم شیلی به زور متوسل شده است. آنچه به شیوه‌های مسالمت آمیز مبارزه مربوط می‌شود، مانده تنها این شیوه‌ها را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنیم، بلکه در حال حاضر در اغلب اقدامات خود علیه دیکتاتوری این شیوه‌ها را به کار می‌بندیم. ما از ترکیب انعطاف پذیری از شیوه‌های گوناگون مبارزه بهره می‌جویم."

دردوره قبل از پیروزی خلق در سال ۱۹۷۰ نیز، هنگامی که ما از راه مسالمت آمیز انقلاب جانبداری می‌کردیم، در انتخاب شیوه‌های مبارزه انعطاف نشان می‌دادیم. برای ما، این شیوه‌ها متنوع بوده و هست و خواهد بود. اشکال مبارزه، نه صرفاً مسالمت آمیز و نه صرفاً قهر آمیز است، حتی اگر برای مدتی کوتاه یا طولانی، این یا آن شکل، شکل دیگری تحت الشعاع قرار دهد.

## پراتیک معیار حقیقت

مبازرات توده ای سال های اخیر ثابت می کند این حکم درست است. روزهای اعتراض ملی، که از ماه ۱۹۸۲ بدین سو برگزار می شود، سنگربندی خیابان ها در این روزها، قطع جریان برق در سراسر کشور، "کنسرت های قابلمه ها" و اقدامات دیگر در روزها و ساعات معین، اعتصابات، اشغال مدارس و دانشگاه ها، نبردهای خیابانی با پلیس - این ها همه شیوه هایی از مبارزه اند که در آن صدها هزار، و بعضا حتی میلیون ها تن شرکت می کنند. این اقدامات از آن روچنان ابعدی می یابند که در جریان مبارزه، مطابق اراده مردم ایجاد شده و باروچیه و علایق مردم سازگارند.

بخش بزرگی از این اقدامات، اگر چه مسالمت آمیز یا همراه با میزان محدودی از قهر باشد، در جریان نبردهای سخت علیه ارکان های سرکوب تحقق می یابد. شکل مبارزه برای حکومت علی السویه است. حکومت، علیه همه اشکال مبارزه، خواه مسالمت آمیز باشند خواه قهر آمیز، به سرکوب متوسل می شود. پلیس، حتی اجازه نمی دهد مردگان را بدون مزاحمت تشییع کنند و یا به سرگورهای آنان بروند، و افرادی را که بایک شاخه میخک یا یک شاخه شمع به گورستان می روند، مورد ضرب و شتم قرار می دهد، زیرا این ها دیگر اکنون به ظاهر مبارزه برای حق زندگی هستند.

انتخابی که امروز هر مرد و هر زن در برابر آن قرار گرفته، این نیست که شیوه های مسالمت آمیز یا قهرآمیز مبارزه را ترجیح می دهد، بلکه آن است که آیا باید علیه استبداد مبارزه کند یا نه.

برخی مخالفان، که این واقعیت محسوس را نمی بینند، قهر را "از هر کس که سرزند" محکوم می کنند. به زبان ملایم، این موضع گیری بسیار عجیب است. اکثر دشمنان سرسخت امروزی قهر، در زمان کودتای نظامی از آن حمایت کردند و یا در رتای خون هایی که جویبارها از آن جاری گشت، و در محکومیت جنایات هولناکی که علیه خلق انجام گرفت، یک کلمه هم نگفتند.

پینوشه، یکی از خونخوارترین حکام تاریخ آمریکای لاتین است. این مباشر ایالات متحده که ابتدایی ترین حقوق انسان ها را

## شالوده اتحاد ضد دیکتاتوری، اشتراک در هدف . . .

شیلی باید از لنینیسم، و نتیجتا مارکسیسم دست شسته و علیه اتحاد شوروی موضع بگیرند. اکنون، تاکید بر چیز دیگری است. اپوزیسیون راست - سائترست مدعی است مساله قهر و یا شیوه های گوناگون مبارزه، مانع توافق با جنبش دمکراتیک مردمی، و به ویژه با کمونیست ها است.

البته مادر این عرصه و عرصه های دیگری نیز اختلاف نظر داریم. اما مهم آن است که علیرغم اختلافات، متحد شویم تا مشترکا برای حل مساله اصلی کنونی، یعنی برقراری یک رژیم دمکراتیک، بپردازیم.

این یک واقعیت تزلزل ناپذیر است که مبارها خواهان پایان دادن به انعطاف ناپذیری سیاسی، اتحاد همه نیروهای اپوزیسیون از راست تا چپ، و فرا رو قرار دادن سرگونی استبداد به مثابه وظیفه اصلی شده ایم. هر کس چشم دارد، ببیند، هر کس گوش دارد، بشنود، که از پینوشه باید سلب قدرت گردد.

جنبش دمکراتیک مردمی، مترقی ترین و پیگیرترین نیروهای چپ شیلی را نمایندگی می کند. هیچ طرحی برای برون رفت از موقعیت کنونی، بدون این جنبش، پشتوانه توده ای لازم را نیافته و نخواهد توانست که به نیروهایی کافی تکیه کند.

سیاستی که هدف بلند حزب کمونیست شیلی و نزدیکترین متحدان آن را دنبال می کند، مغایر با منافع و اراده خلق، و از این رو، فاقد پشتوانه اجتماعی است. برعکس، در همه جا، در محلات و سندیگاه ها، در دانشگاه ها و مدارس، در بین نویسندگان و هنرپیشگان، در مدارس حرفه ای و غیره، راهی به سوی اتحادی گسترده بازمی شود. جوانان، سرمشقی از اتحاد راهی که به احزاب جنبش دمکراتیک مردمی، بلوک سوسیالیستی و اتحاد دمکراتیک وابسته اند، توافقی پیرامون اقدامات واحد منعقد نموده اند.

مردم ما در جریان اعتراضات سپتامبر ۱۹۸۵، نمونه های باشکوهی (از اتحاد) را به نمایش گذاشتند. و اینک چند فاکت: شورای ملی رهبری

زحمتکشان تصمیم گرفت برای روز چهارم سپتامبر دعوت به یک روز جدید اعتراض ملی کند. در ۲۶ اوت، "توافق درباره گذار به دمکراسی کامل" منتشر شد. این سند، حاوی خواست های سیاسی مطلوب توده ها بود، اماممترین نکته یعنی لزوم برکناری فوری پینوشه را، ناکفته گذاشت. در این سند، درباره مالکیت خصوصی از موضع بورژوازی سخن می رود، در حالی که به شماری از مهمترین مسائل پرداخته نشده است.

جنبه مثبت این سند و نیز تمایل عمومی به یافتن راه حل فوری، در محافل گسترده ای از خرده بورژوازی و اقشار میانه، توهمات معینی برانگیخت. آن ها کمان بردند کارهای لازم برای آغاز مارش پیروزمند دمکراسی انجام شده است. تقریبا همه خبرگزاری ها، گزارش هایی حاکی از فعال شدن رهبران اپوزیسیون راست - سائترست مخابره کردند. وزارت امور خارجه ایالات متحده هم بر این فعالیت ها مهر تایید زد. کاردینال فرسنو، از خداوند و از رهبران یازده حزب برای تفاهم حاصل شده، تشکر کرد و از مردم خواست در روز چهارم سپتامبر در روز اعتراض ملی شرکت بجویند. اتحاد دمکراتیک، مردم را فراخواند در این روز تنها برای موافقتنامه امضا جمع کنند، و به شرکت کنندگان در اقدامات اعتراضی توصیه کرد ساعت دو بعد از ظهر کار را تمام کنند و به خانه های خود بروند. آنچه را روی داد، همه می دانیم. زندگی می خواست طریق دیگری طی کند. چهارم سپتامبر، به مهمترین روز اعتراض ملی همراه با بیشترین میزان بسیج توده ها در مبارزه، در تمام طول ۱۲ سال دیکتاتوری تبدیل شد.

این، یک دستاورد بزرگ جنبش دمکراتیک مردمی است که این جنبش، موضعی مستحکم و روشن اتخاذ کرده و در آن، دشمن اصلی را از نظر دور نداشته است. این جنبش، به سند یازده حزب نوییسته، زیر ااعتقد است در این سند، بسیاری نکات تا به آخر گفته نشده و برخی خواست های مهم ناکفته مانده اند. اما با این حال، جنبش ما، مانع کسانی که این سند را امضا کرده اند، نمی شود، و همچنان به تلاش برای اقدامات مشترک با آن ها ادامه می دهد.

## راهپیمایی صلح در آمریکای مرکزی

در پاناما سیتی، پایتخت پاناما، یک راهپیمایی بین‌المللی صلح در اعتراض به مداخلات خارجی در این منطقه آغاز شد. شعارها راهپیمایان، که از کشورهای مختلف آمریکای مرکزی خواهند گذشت، صلح و همبستگی است.

در پاسخ به فراخوان نیروهای صلح دوست، راهپیمایی با شرکت بیش از یکصد تن از اعضا سازمان‌های صلح و احزاب سیاسی، اعضای پارلمان‌ها و نمایندگان محافل مذهبی، سندیکایی، دانشجویی، توده‌ای، فرهنگی و هنری از ۲۵ کشور آمریکا، آسیا و اروپای غربی آغاز گردید. راهپیمایان با طی مسافتی برابر دو هزار کیلومتر از پاناما، کاستاریکا، نیکاراگوئه، هندوراس، السالوادور و گواتمالا خواهند گذشت و در ۲۲ ژانویه، به مکزیک خواهند رسید. در آن‌جا قطع‌نامه پایانی راهپیمایی درباره اوضاع منطقه صادر خواهد شد.

یکی از مسئولین سازمان‌دهی راهپیمایی صلح آمریکایی مرکزی که در یک کنفرانس مطبوعاتی سخن می‌گفت، اظهار داشت: هدف اصلی این اقدام، جلوگیری از وقوع جنگ در آمریکای مرکزی، جلب توجه بشریت به اوضاع انفجاری منطقه، دفاع از حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت خلق‌ها است.

### اخبار کوتاه

\* پینوشه دیکتاتور شیلی بار دیگر در سراسر کشور "موقعیت جنگی" اعلام کرد. طبق این فرمان، ارتش و پلیس دارای اختیارات ویژه برای اقدام علیه اپوزیسیون هستند. لازم به یادآوری است "وضعیت فوق‌العاده" از هنگام کودتای فاشیستی ۱۹۷۳ بدون وقفه برقرار بوده است، اما "موقعیت جنگی" برای مدتی کوتاه لغو شده بود. پینوشه اخیرا اعلام کرد در صورت ضرورت با "مشت آهنین" با مردم مقابله خواهد کرد.

\* در روزهای اخیر رسانه‌های گروهی اسرائیل از قول "مقامات امنیتی" مرتبا "گزارش‌هایی درباره تقویت بنیه دفاعی سوریه منتشر می‌سازند و مدعی می‌شوند این کشور سلاح‌های جدیدی از اتحاد شوروی دریافت داشته است. درگذشته به راه افتادن کارزارهای تبلیغاتی اینچنینی در اسرائیل زمینه‌ساز اقدامات تجاوزکارانه علیه کشورهای عربی بوه است.

\* به گزارش روزنامه تایمز لندن، رژیم عراق یورش وسیعی را به کردستان عراق آغاز کرده است. در حمله ارتش عراق به شهر سلیمانیه، بنا به گزارش این روزنامه ۲۰۰ نفر دستگیر و بلافاصله اعدام شده‌اند. وزارت خارجه بریتانیا نیز وقوع یورش ارتش عراق به کردستان را تایید کرده است.

\* رئیس موسسه بررسی‌های دفاعی هند هشدار داد تلاش پاکستان برای ساختن سلاح‌های هسته‌ای به کمک آمریکا، تهدیدی جدی علیه صلح، امنیت و ثبات در جنوب آسیاست. وی در مصاحبه با رادیوی سراسری هند گفت از سال ۱۹۷۲، پاکستان مشغول ساختن بمب اتمی است.

مردم هنوز در زندان است. نزو گفت: دیر یا زود نژادپرستان پاسخگوی جنایات خود خواهند بود. وی

تاکید کرد: نقش طبقه‌کارگر در روندهای انقلابی جاری افزایش یافته است. دبیرکل کنگره ملی آفریقا گفت: این سازمان در صدد افزایش فعالیت‌های نظامی خود است. آلفردنزو خواهان برقراری مجازات‌های بین‌المللی علیه رژیم آپارتاید شد.

## بیانیه نیروهای انقلابی بحرین

دو سازمان میهن پرست بحرین به نام‌های جبهه رمایی بخش ملی بحرین و جبهه خلق بحرین، بیانیه مشترکی منتشر ساختند و در آن، خواستار پایان دادن به پیگرد نیروهای ترقی‌خواه و دمکراتیک توسط مقامات این کشور عربی شدند. این دو جبهه همچنین خواهان آن گردیدند که قوانین سرکوبگرانه در بحرین لغو شده و زندانیان سیاسی آزاد گردند.

سند مشترک نیروهای انقلابی بحرین، بر ضرورت برچیدن پایگاه‌ها و تاسیسات نظامی آمریکایی در بحرین و آزاد ساختن اقتصاد کشور از یوغ سلطه بیگانه تأکید می‌ورزد.

## جهان خواستار قطع انفجارهای هسته‌ای است

مکزیک، هند، نائژانیا و سوئد در مورد ایجاد یک سیستم کنترل راهپیمایی است. در سراسر جهان، ابتکار اتحاد شوروی با استقبال روبرو شد. در آمریکا جنبش صلح این کشور خواهان قطع آزمایش‌های هسته‌ای ایالات متحده گردید. "مرکز اطلاعات دفاعی" واشنگتن که در آن، افسران عالی‌رتبه پیشین آمریکایی عضویت دارند، اعلام کرد: "مرگه ایالات متحده آمریکا مانند اتحاد شوروی آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را قطع کند، می‌توان به طور دائم آزمایش‌های هسته‌ای را قطع کرد. بدین ترتیب احتمال جنگ هسته‌ای کمتر خواهد شد."

پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی در شماره ۱۹ دسامبر ۱۹۸۵ خود می‌نویسد: علیرغم قطع یکجانبه آزمایش‌های هسته‌ای شوروی، برنامه انفجارهای هسته‌ای زیرزمینی آمریکا ادامه دارد، امری که به حق، نگرانی آراست. پراودا ضمن اشاره به تعدید موراتوریوم اتحاد شوروی در صورت پیوستن آمریکا، خاطرنشان می‌سازد "اگر چه وقت تنگ است، اما برای اتخاذ تصمیم درست و سنجیده کافی است."

دولت آمریکا این بار نیز پیشنهاد اتحاد شوروی را رد کرد. اما اقدام اتحاد شوروی، فشار افکار عمومی در آمریکا و سایر کشورهای غربی بر واشنگتن را افزایش داده است. جهانیان، خواهان قطع آزمایش‌های هسته‌ای به عنوان گام مهمی در راه محدود ساختن و کاهش سلاح‌های نابودی جمعی اند.

میخائیل گارباجف در دیدار با دکتر چاسوف و دکتر لاون رهبران سازمان بین‌المللی پزشکان برای جلوگیری از "جنگ هسته‌ای" که اسامیل جایزه صلح نوبل را دریافت داشتند، بر آمادگی کشورش برای قطع آزمایش‌های هسته‌ای تأکید کرد.

## "کریسمس سیاه" در آفریقای جنوبی

عید میلاد مسیح در آفریقای جنوبی، مصادف با شدت گرفتن بی‌سابقه درگیری‌های مردم بی‌پاخاسته این کشور با پلیس رژیم نژادپرست بود. به علت کشتاری که نژادپرستان علیه مردم به راه انداختند، رسانه‌های گروهی مراسم عید تولد مسیح را "کریسمس سیاه" نامیدند. تنها در فاصله دوشنبه تا چهارشنبه گذشته، پلیس ۱۷ تن را به قتل رساند. بدین ترتیب، شمار قربانیان عملیات سرکوبگرانه پلیس رژیم آپارتاید از فوریه ۱۹۸۴ بدین سو، از هزار تن تجاوز کرده است.

آلفردنزو، دبیرکل کنگره ملی آفریقا، در مصاحبه‌ای در هراره، پایتخت زیمبابوه، اظهار داشت: رژیم آپارتاید دچار یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی شده است. وی افزود: تلاش مقامات نژادپرست برای شکستن مقاومت مردم به زور اسلحه، محکوم به شکست است. نزو خاطر نشان ساخت: دولت پرتوری زبان منطق را نمی‌فهمد و نمی‌خواهد خواست اکثریت مطلق مردم کشور را بپذیرد، و از این رو کارزار ترور و کشتار علیه میهن پرستان را شدت بخشیده است. نلسون ماندلا، رهبر برجسته مبارزات

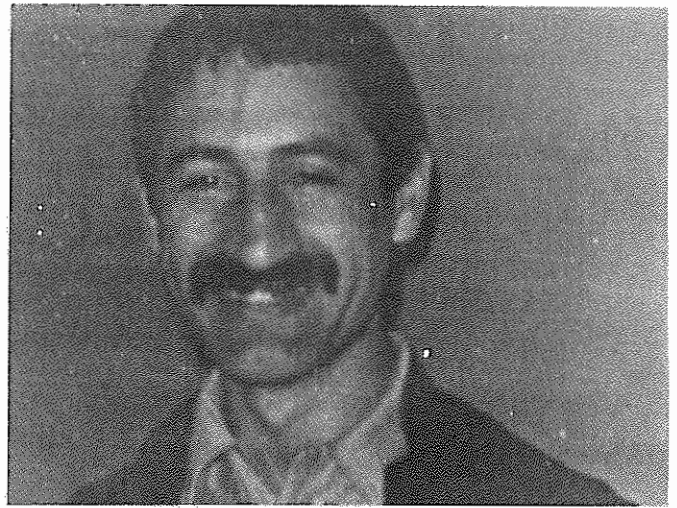
در روزهای پایانی سال ۱۹۸۵، جهان بار دیگر شاهد یک ابتکار صلح اتحاد شوروی بود. این کشور که در سالگرد بمباران اتمی هیروشیما اعلام کرده بود به طور یکجانبه تا پایان سال، انفجارهای هسته‌ای را متوقف ساخته و در صورت پیوستن آمریکا بدین اقدام، از اول ژانویه ۱۹۸۶ به بعد نیز این "موراتوریوم" را تعدید خواهد نمود، گام دیگری در جهت امکان پذیر کردن گام‌های عملی در راه خلع سلاح و کاهش خطر جنگ برداشت. اتحاد شوروی به منظور واداشتن ایالات متحده به تغییر موضع مخرب خود مبنی بر خودداری از موافقت با قطع آزمایش‌های هسته‌ای، اعلام کرد آماده است علاوه بر شیوه‌های کنترلی که تاکنون بر شمرده شده‌اند، پیرامون بازدید ناظرین دوطرف از اماکنی که احتمال انجام آزمایش هسته‌ای در آن‌ها می‌رود، با آمریکا توافق نماید. تاکنون واشنگتن از موافقت با قطع آزمایش‌های هسته‌ای همواره به این بهانه که امکان کنترل توافقی در زمینه فوق وجود ندارد، لفره رفته است.

لازم به یادآوری است آزمایش‌های هسته‌ای در سلسله زنجیر مسابقه تسلیحاتی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. سیستم‌های جدید تسلیحاتی، تنها از طریق آزمایش پیچیده‌تر و مدرن‌تر می‌شوند. اگر آزمایش‌های هسته‌ای قطع شود، گام مهمی در جهت جلوگیری از تولید سلاح‌های هسته‌ای هر چه پیچیده‌تر و هر چه مخرب‌تر برداشته خواهد شد. از این رو اتحاد شوروی در قریب به چهل سال اخیر، ابتکارات متعددی برای نزدیک شدن به توافق بین‌المللی برای قطع این انفجارها عرضه کرده است. این پیشنهادها همیشه با امتناع آمریکا روبرو شده‌اند.

اتحاد شوروی برای ممکن کردن توافق پیرامون قطع انفجارهای هسته‌ای، پیشنهاد آرتانتین، یونان،

## به یاد رضی قهرمان

## آن که عشق و جسارت بود



سنگ مقدس در این جهان بسیارست،  
صیقل خورده به بوسه های لبان خشکیده از عطش.  
ایمان به جسم بی جان روح می بخشد، لیکن  
من جسم بی جان نیستم، انسانی زنده ام من.

من نایبانی آدمیان را دیده ام  
و توفین گردباد را بر عرصه پیکار،  
من آسمان را دیده ام  
و آدمیان را، سرگردان، به مهی دودگونه فروپوشیده،

مرا، به ایمان، ایمان نیست.  
اگر اندوهگینت می کند بگو اندوهگینم.  
حقیقت را بگو، نه لایه کن نه ستایش.  
تنها به تو ایمان دارم ای وفاداری به قرن و به انسان!

توان تحملت ار هست، شکوه مکن.  
به پرسش اگر پاسخ می گوئی، پاسخی درخور بگویی.  
در برابر رگبار گلوله اگر می ایستی، مردانه بایست  
که پیام ایمان و وفا به جز این نیست!  
ایلیا ارنورگ

## اما من انسانم...

گذرگامی صعب است زندگی؛ تنگایی در تلاطم و درجوش.  
ایمان، یکی چشم بند است؛ دیواری در برابر بینش.  
به خیره مگو که ایمان، کوه را به جنبش درمی آورد؛  
من کوه بی جان نیستم، انسانم من!

## آندرهئی گرومیکو:

## شعار جنگ تایپ روزی "مغایر هرگونه منطق است"

جمعه ۲۱ آذر، خامنه ای رئیس جمهور رژیم در خطبه های نمایش هفتگی، ضمن اشاره به سخنان آندرهئی گرومیکو صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در باره جنگ ایران و عراق، اراجیفی که کوچکترین ربطی به اظهارات گرومیکو نداشت به زبان آورد تا موضعگیری اتحاد شوروی را که به سود مردم ایران و عراق و صلح و امنیت منطقه است، به خیال خود رد کند. خامنه ای این سخنان را در پاسخ به اظهارات آندرهئی گرومیکو در دیدار با هیات عراقی به سرپرستی رئیس جمهوری این کشور، به زبان آورد. رئیس کشور، به زبان آورد. رئیس کشور شوروی در این دیدار در باره جنگ ایران و عراق گفت: "ما همواره تاکید کرده و می کنیم که این جنگ بیهوده و بی معنی است و تنها به کسانی سود می رساند که روی تضعیف عراق و ایران سرمایه گذاری کرده اند." گرومیکو افزود: "ما اقدامات آنهایی را که بر خلاف هر گونه منطقی شعار ادامه جنگ تا پایان پیروزمند" را می دهند و بدان بعنوان وسیله ای برای تسویه حساب با دشمن و تحمیل اراده سیاسی خود به وی می نگرند، غیر معقول می دانیم."

\*\*\*

## برای رهائی مردم ایران

رفقا و دوستان عزیز!

بکوشیم تا در پانزدهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برای کمک به رهائی خلق ایران همه ابتکارات را برای جلب هرچه بیشتر پشتیبانی مالی از سازمان بکار بندیم!

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| دیگرتقاط | اروپا   | بهای اشتراک نشریه "کار": | <input type="checkbox"/> شش ماهه | <input type="checkbox"/> یک ساله |
|----------|---------|--------------------------|----------------------------------|----------------------------------|
| مارك ۱۱۳ | مارك ۱۱ |                          |                                  |                                  |
| " ۲۴     | " ۲۱    |                          |                                  |                                  |

| دیگرتقاط | اروپا   | بهای اشتراک نشریه "اکثریت": | <input type="checkbox"/> سه ماهه | <input type="checkbox"/> شش ماهه | <input type="checkbox"/> یک ساله |
|----------|---------|-----------------------------|----------------------------------|----------------------------------|----------------------------------|
| مارك ۳۰  | مارك ۲۷ |                             |                                  |                                  |                                  |
| " ۵۸     | " ۵۲    |                             |                                  |                                  |                                  |
| " ۱۱۵    | " ۱۰۲   |                             |                                  |                                  |                                  |

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):

AKSARIYAT  
NO. 88

MONDAY DEC 30, 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN

BAWAG

NR. 029 10701-650

DR. GERTRAUD ARTNER